

مراتب گذار از فصل تا وصل در معماری فضای بینابینی

مطالعه موردی: مسجد امام اصفهان^(۱)

پگاه شیرازپور*، فرح حبیب**، نسیم اشرفی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی - ۷۱-۱۰۰

چکیده

انتقال از یک فضا به فضا دیگر به واسطه فضای سوم است که در قالب بینابینی مطرح می‌شود. بینابینی در این پژوهش با ماهیت گذار که دارای حرکت، جهت و مقصد است سروکار دارد. برای دست یافتن به حقیقت موضوع، راهی جز سیر از ظاهر به باطن را پیش رو نمی‌گذارد. هرگاه فرد در فضای بینابینی قرار می‌گیرد، در مسیری رو به سوی مقصدی مشخص است که در این مقاله وصال نامیده می‌شود. مقاله حاضر با سیری از ظاهر به باطن، سعی در پیدا کردن حقیقت بینابینی در معماری دارد. در مرحله اول این مسیر در احوال آدمی و در مراحل بعدی به عنوان بحثی در معماری به آن پرداخته خواهد شد و با ورود به موضوعی چند جانبه به تبیین نقش فضاهای بینابین در سلسله مراتب حرکت از جلوخان تا گنبدخانه مسجد مورد پژوهش و تدقیق این نقش در سه مرتبه ظاهر، باطن و حقیقت خواهد پرداخت. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، کیفی - کمی (آمیخته) است و از حیث جمع‌آوری اطلاعات، می‌توان این تحقیق را نوعی تحقیق میدانی به حساب آورد. روش تحلیل آن نیز با استفاده از روش چیدمان فضا، تحلیل مصاحبه‌ها و تحلیل آماری توسط نرم‌افزار SPSS و آنالیز مؤلفه‌ها در فضاهای بینابینی مسجد امام اصفهان است. بینابینی‌های مکرر در سیر مراتب از جلوخان مسجد امام تا گنبدخانه در مخاطب تحولی ایجاد می‌کند که با بی‌قراری آماده رسیدن به مقصد نهایی که همان وصال به حقیقت معماری از دل برآمده است، می‌شود. مراتب گذار در معماری فضای بینابینی به ترتیب با مفاهیم «انفصال/ دریافت، گذار/ برداشت و اتصال/ تحول» تعریف می‌شوند؛ به عبارتی دیگر یک ناحیه انتقالی معماری (مرتبه اول در بینابینی) در مرتبه‌ای کامل‌تر جایی برای متحول شدن و در وجوه عالی‌تر مکانی برای حضور در نظر گرفته می‌شود. بنابراین تجربه بینابینی در معماری تنها گذر از یک فضا تا فضای دیگر نیست، این گستره معنایی از فصل تا وصل حقایقی را به همراه دارد.

واژه‌های کلیدی: بینابینی، وصال، ظاهر و باطن، مسجد، دوره صفوی

pegah.shirazpour@gmail.com

frh_habib@yhoo.com

Ashrafi@pardisiau.ac.ir

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** نویسنده مسئول: استاد گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*** استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



مقدمه

طی مسیر و حرکت از بیرون به درون، در معماری از پایه‌ای‌ترین بحث‌هاست و در تحقیق حاضر در قالب موضوع بینابینی مورد بررسی قرار گرفته است. بینابینی وضعیتی است که در ناحیه انتقالی در معماری رخ می‌دهد. بینابینی در عالم معماری با تقرب و هدف وصال به مقصود حقیقی، همانند است (علینای مطلق و شکوری، ۱۳۹۸: ۲۳). همین امر معماری را دارای مراتبی می‌کند. مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر، نزدیک شدن به حقیقت بینابینی در معماری است و پرداختن به بینابینی در این پژوهش از این‌رو که با ماهیت پدیده گذار، سروکار دارد برای دست یافتن به حقیقت موضوع، راهی جز سیر از ظاهر به باطن را پیش رو نمی‌گذارد. مسجد محوری‌ترین، کانونی‌ترین و ارزنده‌ترین عنصر کالبدی متبلورکننده مدنیت جامعه اسلامی است (مهدوی‌نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹: ۷۰) معماری مسجد می‌بایست تسهیل‌کننده و تشدیدکننده عروج از نازل‌ترین مرتبه هستی به عالی‌ترین مراتب آن باشد (قوچانی و موسوی ۱۴۰۰: ۴۵). مساجد برای مفهوم گذار و جنبه تدریجی فرآیند ادراک دارای سلسله‌مراتب هستند و این وجوه مختلف سلسله‌مراتب به‌گونه‌ای و بر بخشی از ابعاد وجودی انسان مؤثرند (محمدیان منصور، ۱۳۸۶: ۶۰). بارزترین جایگاه برای بروز اصل سلسله‌مراتب دسترسی از بیرون به درون که به جنبه‌های ادراکی فضا مرتبط باشد، مسجد است. در این میان، درآیگاه مسجد به‌عنوان مکانی برای اتصال ساحت دنیایی و جهان مینوی، شأنی ماورایی می‌یابد که از طریق مراتب ادراکی، آمادگی مخاطب را برای گذار از ماده به مجرد محقق می‌سازد. (طبسی و فاضل‌نسب، ۱۳۹۱: ۸۲). لذا بررسی سلسله‌مراتب گذار از فصل تا وصل در مسجد به‌عنوان ارزنده‌ترین و مهم‌ترین

بنا در معماری یک شهر اسلامی برای نشان دادن ماهیت فضای بینابینی انتخاب شده است.

صفویه در تاریخ ایران عصر شکوفایی اعتقادات شیعی است. فلسفه و تفکر شیعی در هنر این دوره نمود خاصی دارد و آثار مهمی را به‌خصوص در اصفهان، به‌عنوان پایتخت اصلی صفوی برجای گذاشته است. فضای بینابین در معماری مساجد دارای سلسله‌مراتب، بیانگر جهان‌بینی است که برای معماران به‌عنوان یکی از اصول، موضوعیت می‌یابد. گذار از فضایی به فضای دیگر ناگزیر از الگوی فصل، گذر و وصل پیروی می‌کند. فضای بینابین با انعطاف‌پذیری بالای خود می‌تواند امکان دریافت، تفسیر، و تحول را برای مخاطب فراهم آورد.

این تحقیق در پی آن است که با تأکید بر جنبه‌های کالبدی، معنایی و جوهری موضوع بینابینی، به حقیقت معماری بپردازد. برای این مهم مسجد امام اصفهان که دارای ویژگی و کیفیت فضایی و معنایی منطبق با اهداف طرح شده است، مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

مطالعات تجربی مختلفی پیرامون فضاهای بینابین، هم در مقیاس معماری و هم شهری صورت گرفته است که براساس هدف، نتایج گوناگونی از آنها استخراج شده است. لیدا بلیلان اصل در رساله دکتری خود به شناسایی و تعیین نقش فضاهای بینابینی می‌پردازد و بیان می‌دارد سازماندهی اجزا و عناصر در هر بنا و فضای شهری، از طریق تاثیر در پیوستگی و سلسله‌مراتب فضایی و همچنین تعیین قلمرو و حریم عرصه‌های عمومی و خصوصی بر عهده فضای بینابین بوده و ظرفی برای عملکردهای مختلف محسوب می‌شود. علاوه بر آن این فضا

بواسطه اهداف سازنده‌اش ماهیتی دو وجهی یافته، هم فرآیند و هم محصول فرآیند (فرآورده) می‌شود (بلیلان اصل و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۹). حسن مرتضوی ارزش‌های معنایی فضاها را بین‌باین در مسکن سنتی را بررسی کرده و نتایج اولیه تحقیق حاکی از آن است که به دلیل نقش انکارناپذیر فضاها بین‌باین در سازماندهی فضای معماری مسکن، کاهش یا حذف آن از الگوهای مسکن معاصر از عوامل اصلی بحران هویت می‌باشد و همچنین با عنایت به اثبات وجود عالم واسط (برزخ یا مثال) در اندیشه و عرفان اسلامی و تفکرات الهی سازندگان مسکن سنتی، مفاهیم عالم واسط در فضاها بین‌باین نمود داشته است (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵). ایوب علی‌نیا این نتیجه را مطرح می‌کند که موضع‌گذار در سازوکار آستانگی، تعیین‌کننده حیثیت انفضالی و اتصالی کرانه‌های یک محدوده است که ذیل بینش مراتبی، سه حالت تقابلی، تعاملی و متعالی را در ارتباط میان محدوده‌ها فراهم می‌آورد. حالت‌های مذکور، به سبب نوع مطالبه خود از معماری نقش‌های متفاوتی را به مؤلفه‌های بر سازنده محدوده مکانی تخصیص داده که می‌توانند تجربه در درون بودن کامل (یگانگی) تا بیرون بودن کامل (بیگانگی) را در مدرک، ایجاد و معیارهایی برای بسط محدوده‌ها مشخص کنند (علی‌نیا مطلق و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱). مهسا میرسلامی وجود فضاها بین‌باینی را سبب تفکیک فضایی و قلمروییابی در عرصه‌های مختلف در مسجد می‌داند که این امر تأثیر بهینه‌ای بر سازوکار فضاها جمع‌ی دارد، به طوری که طیفی از محدوده خلوت تا قلمرو جمع‌ی کاربران را جوابگو باشند، که این موضوع خود می‌تواند سبب جذب افراد بیشتری به فضای مسجد شود (میرسلامی و عمرانی‌پور، ۱۴۰۱: ۵۵). دانشمند در مطالعات خود مراتب فرآیند ادراک متعالیه

را در ۴ مرتبه حواس، انگیزختگی و هیجانات، شناخت و در نهایت شهود تبیین می‌کند. از این پس در مواجهه دوباره شخص با فضا، حواس ظاهری دریافت شده از محیط کمترین اثر را بر شخص می‌گذارند و این تصویر شهودی ملکات شخص است که علی‌رغم محرک‌های محیطی متفاوت، شخص را در مسیر رفتار متعالیه نگه می‌دارد تا بر اساس شأن خود رفتار کند (دانشمند و فتاحی، ۱۴۰۱: ۲۹). فاطمه هدایتی در بررسی مساجد جامع سلجوقی این مهم را بیان می‌کند که علاوه بر عامل مساحت، ویژگی‌های فضایی و کیفیت چیدمان فضاها بین‌باین بر میانگین هم‌پیوندی و اتصال‌پذیری مساجد جامع دوران سلجوقی مؤثر است و هرچه فضاها گذر از ویژگی‌های بین‌باینی بیشتری برخوردار باشند، یکپارچگی فضایی بالاتری داشته و موجب ارتقای کیفیت انعطاف‌پذیری می‌شوند (هدایتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷). آلن دو باتن به این نکته اشاره می‌کند که معماری می‌تواند بر روحیه و احساسات انسان تأثیر عمیقی بگذارد. فضای بین‌باینی، که به فضاها گذر یا مرزی اشاره دارد (مثل راهروها یا ورودی‌ها)، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر احساس آرامش یا اضطراب فرد تأثیر بگذارد. این فضاها ممکن است حس انتقال، تغییر یا ارتباط میان فضاها مختلف را به وجود آورند که در نتیجه، تجربه‌های معنوی و روان‌شناختی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Alain de Botton, 2006, 173)

معنای بین‌باینی

واژه In-between معادل انگلیسی لغت بین‌باینی در فارسی است. در لغت‌نامه تخصصی معماری در تعریف واژه بین‌باینی^۱ چنین آمده است:
 «بین‌باین فضایی است که دائماً در حال

۱. واژه In-between معادل انگلیسی لغت بین‌باینی در فارسی است.

حرکت است، مکانی در خودش، محدودیتی ساخته شده در حاشیه، فتح بین قلمرو دو جنگجو، مبهم، سرگشته، دورگه و نامعلوم. بینابین، لزوماً یک فضایی خالی و یا یک فضای باقی مانده نیست. در یک هندسه با روابط پیچیده بینابینی به مکانی استوار تبدیل می شود، مکانی که هندسه آن را دم و بازدم می کند. یک مکان با ابهام های هم زمان، بنابراین بینابین جدا نمی کند، بلکه همواره ملحق می نماید» (لیدا بلیلان، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

واژه Transition معادل انگلیسی واژه انتقال به معنی نزدیک شدن به چیزی (نه رسیدن)، راه یا وسیله رسیدن به چیزی، مفاهیمی از بینابینی را در خود مستتر دارد و در لغت مترادف واژه هایی چون گذر تدریجی، گذار، انتقال، عبور، تغییر از یک حالت به حالت دیگر، برزخ و تحول می باشد.

به این ترتیب تعریف واژه بینابین می تواند با مفاهیمی چون فصل، انتقال، گذار، تحول و وصل تکمیل شود. فصل: مانع و حاجز میان دو چیز؛ انفصال: جدا شدن؛ منفصل: جداشونده، جدا شده، بریده شده و قطع شده؛ فاصل: جداکننده دو چیز از هم؛ انتقال: جابه جا شدن، از جایی به جای دیگر رفتن، نقل کردن، کوچ کردن؛ گذار: عبور کردن، گذشتن از جایی؛ تحول: برگشتن از حالی به حالی دیگر، تغییر، انقلاب، برگشتن از چیزی به سوی دیگر، طلب کردن؛ وصل: به معنی پیوستگی، ضد هجر، مقابل فراق، وصال، پیوند دادن؛ اتصال: پیوسته شدن، پیوستن، به چیزی پیوستن، پیوسته شدن کار، رسیدن، اتحاد؛ متصل: رسنده و پیوسته شونده بی جداشدگی (برگرفته از لغت نامه دهخدا)

جدول ۱: معانی واژه بینابینی

مراجع واژه بینابینی	معانی واژه بینابینی	گستره معنایی	وجه ارتباطی
فرهنگ واژه دهخدا	وصل، پیوستگی، فصل، جدایی، مرز و ربط	- حد و اندازه - مقدس بودن - احترام، حضور	- مفهومی وابسته به مبدا و مقصد - دارای نقش پیوند دهنده
The Metapolis Dictionary of Advanced Architecture	اتصال، مماس	- مبهم و نامعلوم - روابط پیچیده - استوار	- دارای حرکت - محدودیتی ساخته شده در حاشیه - دارای هندسه تعریف شده - بینابین جدا نمی کند، بلکه همواره ملحق می نماید
Merriam-Webster Dictionary	حضور، پیشگاه، مجاورت	- فضای انتقال - دارای حالت میانی - رمزآلود	مفهومی ذهنی و عینی، دارای سطوح معنایی و عملکردی
American Heritage Dictionary	تغییر وضعیت، گذر کردن از میان چیزی، معادل واژه Transition	- وسیله رسیدن به مقصد و مقصود - گذر کردن و نزدیک شدن	اتصال فضاها، با تاکید بر وجوه عملکردی

مبانی نظری پژوهش

آدمی برای رسیدن به حقیقت، سیر ظاهر به باطن را طی می‌کند که با گذر از مراتب متفاوت شناسایی یعنی حس، خیال و خرد همراه است. (میرعبدالحسین نقیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸) این سیر ظاهر به باطن در معماری نیز مشهود است گذر از این مراتب، حقیقت پنهان در معماری را روشن می‌کند. سلسله‌مراتبی هستی‌شناسانه و پهنه‌ای معرفت‌شناسانه در ظهور معماری به‌عنوان نمایش قانونمندی مصنوع و حضور آن در عرصه طبیعی وجود دارد که از جهان‌بینی علمی شروع می‌شود و تا جهان‌بینی توحیدی ادامه پیدا می‌کند هر یک از این سلسله‌مراتب سه‌گانه در هویت‌بخشی، پویایی و شکل‌گیری اثر معماری لازم است (دل‌زننده و سایرین، ۱۴۰۲: ۱۰۰). این مراتب سه‌گانه در معماری شامل مرتبه جسمانی/ظاهر (کالبد)، مرتبه روحانی/باطن (معنا) و مرتبه حق/جوهر (حقیقت) است. در مرتبه جسمانی در ابتدا تنها به یک سرپناه برای محافظت مخاطب از تهدیدهای محیطی پرداخته می‌شود و در بعد والاتر به نیازهای جسمانی و وجودی فرد نیز توجه می‌شود و حاصل از یک سرپناه به ساختمان بدل می‌شود. در مرتبه روحانی با نگاهی به معنا و اثرگذار بر باطن با هدف برانگیختن خیال، ساختمان به معماری ارتقا می‌یابد. در این مرتبه علاوه بر نیازهای حفاظتی و جسمانی تفکر معماری به نیازهای معنوی مخاطب می‌پردازد. در نهایت مرتبه حقیقت است؛ در این مرتبه با کمک شهود و دریافت‌های درونی در معماری جوهره‌ای برای مخاطب در نظر گرفته می‌شود که فرآورده حاصل، فرآیندی از دل برآمده، ماندگار و فارغ از محدودیت مکان و زمان خواهد بود. محبوس نبودن معماری درون به بعدی از حقیقت مخاطب اشاره دارد که در ظرف مکان و زمان

نمی‌گنجد. این بعد میان ما، مخاطبین گذشته و آینده مشترک است. حاصل توجه به این بعد، معماری از دل برآمده چون مسجد امام اصفهان است که برای مخاطب دیروز، امروز و فردا ماندگار و ارزشمند است. در راستای نظریه محقق‌علینیای مطلق^(۱) در این پژوهش سه مرتبه حاصل از مراتب جسم، روح و حقیقت در معماری را به ترتیب متناظر با سرپناه/ساختمان، معماری و معماری از دل برآمده نامیده می‌شود. (نمودار شماره ۱)



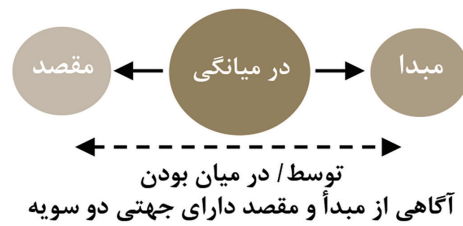
نمودار شماره ۱: سه مرتبه اصل از مراتب جسم، روح و حقیقت در معماری

بینایی و مراتب آن در معماری

روابط میان قبل و بعد در طبیعت، ناگهانی و یک‌مرتبه نیست. عبور از یک وضعیت به وضعیت بعدی، مراتبی تدریجی دارد و ناگهانی و آنی نیست. از مصادیق آن می‌توان به تغییرات فصول و تبدیل آنها به هم، گذر از سال قبل به سال بعد و لحظه طلوع و غروب خورشید اشاره کرد. این لحظات به باور جورج توماسن انسان‌شناس، سرشار از انرژی و نیرو است. «تشخیص حدود این انرژی است که کیفیت انفصال و اتصال را در این تغییرات تعیین می‌کند. گویی در

لحظات بینابینی، شاهد از ماده فاصله گرفته و به معنا نزدیک می‌شود.» (علی‌نیای مطلق، ۱۳۹۸: ۳۴) همان‌طور که بینابینی در طبیعت دارای مراتب است، در معماری نیز مراتبی دارد و می‌توان از آن به «در میان مبدا و مقصد بودن» و حرکت به سمت مقصود با هدف وصال تعبیر کرد.

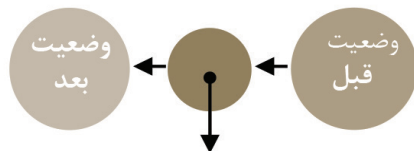
مرتب‌ه در میان بودن (نمودار شماره ۲): «در میان بودن» (توسط) به معنای قرار گرفتن در فاصله و حد فاصل دو چیز، مانند لحظه سحر که بین شب و روز قرار دارد، و این وضعیت به گونه‌ای است که فرد در حالتی غیرثابت و بی‌قرار قرار می‌گیرد، چرا که نه در مبدأ (قبل) است و نه در مقصد (بعد)، لذا بی‌قرار است (ترنر، ۱۴۰۰: ۱۶). به عبارت دیگر، فرد هیچ‌گاه در وضعیت ثابت نیست و همواره در حال گذار است. فضای بینابینی در معماری به این مفهوم اشاره دارد که هر فضا در هر لحظه، دارای ویژگی‌هایی از قبل و بعد است و این ویژگی‌ها محیط‌هایی پویا و معنادار خلق می‌کند و به تجربه‌های عمیق‌تری از فضا منجر می‌شوند.



نمودار شماره ۲: مرتبه توسط / در میان بودن

مبترم: (3) هرآمش را دو منذ) ن دو بی کیه مبترم (بی‌نامهن‌یا) ن دو بی کیه مرحله‌ای است که خواص مشترکی از مراحل قبل و بعد خود را به همراه دارد. «یکی شدن صفتی است که موجب می‌شود چیزی عین چیز دیگر شود» (فولکیه، ۱۳۷۷: ۱۱). چنان‌چه طرفین رابطه در مورد یا مواردی مشترک باشند ما آنها را «مشابه، هماهنگ و یا یکی» می‌خوانیم

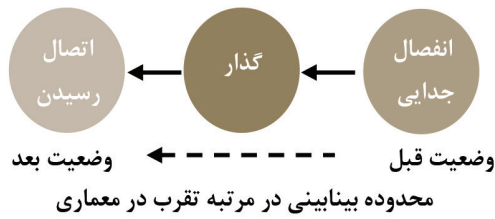
(سلامی، ۱۳۸۳: ۷۹). ارتباط میان فضای درونی و بیرونی، هرچند با وجود یک مانع کالبدی در گشودگی‌ها ممکن است به‌ظاهر محدودیت حرکتی ایجاد کند، اما این عنصر می‌تواند حامل معانی عمیقی برای کاربران باشد. این مرزهای گذار، که به‌واسطه نمادگرایی قداست می‌یابند، نقشی اساسی در شکل‌دهی به تجربه فضا ایفا می‌کنند (آرنهایم، ۱۳۹۰: ۲۹۳). فضای بینابینی می‌تواند به‌عنوان یک محیط گذار افراد را به تجربه‌ای عمیق‌تر و معنوی‌تر هدایت کند (Nooraddin, 1966). وضعیت بینابینی، به دلیل داشتن خواص مشترک از وضعیت قبل و بعد، دارای ویژگی «یکی بودن» است و باعث می‌شود اجزای قبل و بعد را در خود یکی کند. این وضعیت در معماری به‌دفعات در فضاهای مختلف تکرار می‌شود. به مانند ایوان که حدفاصل درون و بیرون است، این فضا هم‌زمان هم دارای وضعیت قبل و هم وضعیت بعد است. در این وضعیت بینابینی وجودی وابسته دارد (نمودار شماره ۵). از بعد دیگر وضعیت میانی، اشتراک دو وضعیت قبل و بعد خود نیست، «نه این و نه آن» است، واسطه‌ای است که به مانند یک نقطه عطف قبل را به بعد وصل می‌کند. نه ویژگی‌های وضعیت قبل را دارد و نه ویژگی‌های وضعیت بعد پس به‌عنوان یک وجودی مستقل عمل می‌کند (نمودار شماره ۳). گاهی بینابینی مابین وضعیت قبل و بعد تا اندازه‌ای محدود می‌شود که به‌مانند یک مرز خودنمایی می‌کند (نمودار شماره ۴).



فضای بینابینی فضایی مستقل در معماری / نقطه عطف میان قبل و بعد

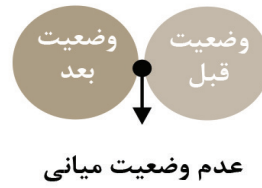
نمودار شماره ۳: بینابینی در مرتبه یکی بودن

در میانه آن راه هستیم، پس می‌توان تقریب را از مراتب بینابینی دانست.

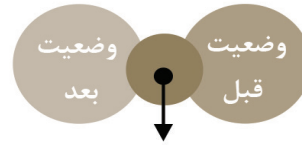


نمودار شماره ۶: اتصال و انفصال در تقرب

سه گام اصلی تقرب و وصال «انفصال، گذار و اتصال» می‌باشند. برای رسیدن به وصال در سیر و سلوک عارفانه راهی جز انفصال وجود ندارد و ماهیت گذار یا همان بینابینی وابسته به ماهیت حرکت است. در عالم معماری گذار از یک مکان به مکان دیگر دارای مراتب است و برای قرار گرفتن در فضای دیگر با سه وضعیت انفصال، گذار و اتصال مواجه می‌شویم. گذار در وضعیت میانی دو موقعیت انفصال و اتصال است بنابراین دارای اهمیت خاصی است که علاوه بر آنکه بر قبل و بعد خود اثر می‌گذارد، کیفیت این فضا متأثر از وضعیت قبل و بعد آن نیز است. توجه هم‌زمان به هر سه مرحله در گذر از مکانی به مکان دیگر و یا انفصال و اتصال دو بخش در مقیاس‌های مختلف بسیار مهم است که نتیجه آن در معماری رسیدن است.



نمودار شماره ۴: بینابینی در حد یک مرز



نمودار شماره ۵: بینابینی در مرتبه نه این و نه آن

مرتبه وصال یا تقرب (نمودار شماره ۶): «قرب» در لغت به معنای نزدیکی چیزی به چیز دیگر و هم‌چنین به معنای ارزش و منزلت داشتن است؛ پس کسی یا چیزی که در حال تقرب است، عزیز و دارای منزلت می‌شود. لذا تقرب جستن، منزلت یافتن و رسیدن به وصال است (علی‌نیا، ۱۳۹۸: ۴۳). در تعالیم حکمی و عرفانی، آدمی به صورت فطری در حال تقرب و جویای وصل است. در تقریب، تا حدودی نزدیک شدن محقق می‌شود و از آنجا که وقتی در نزدیکی چیزی قرار می‌گیریم و به سوی چیزی هستیم، یعنی

بینابینی در گستره فضای معماری

جدول شماره ۲: دیاگرام ویژگی‌های حاصل از ارتباط فضاها

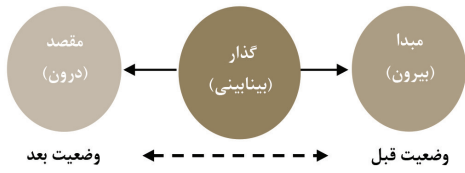
ویژگی‌های حاصل از ارتباط	دیاگرام ارتباط
فضایی فارغ از اندازه داخل فضایی دیگر قرار می‌گیرد، فضای پیرامونی نقش انفصال و گذار توأم را بازی می‌کند و فضای داخلی اتصال یا وصال نهایی خواهد بود. به نظر می‌رسد فضای پیرامونی به جهت محتوایی واحد و هم‌ارزش به مانند یک پالایه وظیفه انتقال، دریافت و تفسیر و آمادگی تحول را برای فضای داخلی بازی می‌کند.	
فضای سوم نقش این همانی یا یکی شدن را بازی می‌کند. به دلیل داشتن خواص مشترک از وضعیت قبل و بعد، شخصیتی وابسته به قبل و بعد خود می‌یابد، اجزای قبل و بعد را در خود حل می‌کند و باعث درک انفصال، گذر و اتصال حقیقی می‌شود.	

ویژگی‌های حاصل از ارتباط	دیگرام ارتباط
در این رابطه فضای میانی نقش نه این و نه آن را بازی می‌کند. این فضا واسطه‌ای است مستقل که تنها نقش وصل قبل و بعد را ایفا می‌کند. کیفیت بینابینی در این فضا تنها یک وقفه سریع است بدون درک و آمادگی فرد برای قرارگیری در ساحت بعدی.	
فضای سوم به عنوان فضایی مستقل شاید هم‌ارزش دو فضای قبل و بعد (اصلی) تعبیر می‌شود. به تعبیری خود برای ارتباط با قبل و بعد خود، نیاز به فضای دیگری دارد. تفاوت آن با حالت قبل در نوع استقلال این فضاست.	
وضعیت بینابینی نادیده گرفته شده و اشتراک بین دو فضا تا حد یک مرز کاهش می‌یابد. حدودی برای آن تصور نمی‌شود و تجربه گذر قابل درک نیست، وقفه‌ای است سریع که امکان آمادگی را مهیا نمی‌کند.	

نظام محوری و جهت مداری در معماری

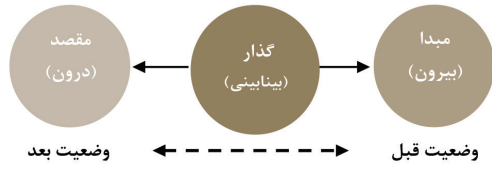
راه از عالم ماده آغاز، در ذهن تفسیر و در حقیقت به وصال منتهی می‌شود. پس راه و حرکت در مرتبه ظاهری، می‌تواند مقدمه‌ای برای راه باطن و رسیدن به حقیقت باشد. در معماری، حرکت می‌تواند از بیرون به درون یا برعکس انجام شود. فضای بینابینی جایی است که این دو جهت با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند؛ یکی به سمت داخل و دیگری به سمت خارج. هر فضای بینابینی این دو مسیر را برای فرد فراهم می‌کند. حرکت در مرتبه توسط، دوسویه است. توسط یا در میان بودن، در مرتبه ظاهر، علاوه بر اینکه منجر به آگاهی از مبدا و مقصد می‌شود دارای دو جهت رفت و برگشت به‌طور یکسان و هم‌زمان به سمت مبدا و مقصد است (نمودار شماره ۷). تقرب تنها داری یک جهت به سوی مقصد است که نتیجه آن وصال خواهد بود. در معماری فرد در فضای بینابینی از کالبد گذشته به معنا رسیده و با آگاهی درونی و باطنی در حرکتی تک سویه و عمودی رو به تعالی و ترقی بوده تا در نهایت به وصال برسد. (نمودار شماره ۸) حالات حرکت به تفصیل در نمودار شماره ۹ قابل مشاهده است.

فضای بینابین یعنی لحظه گذار از وضعیت قبل به وضعیت بعد. این گذار نیازمند فضایی واسط است تا امکان تغییر وضعیت را میسر کند. روابط و نظم بین عناصر تشکیل‌دهنده در سیر مراتب این گذار هرچه برای مخاطب قابلیت درک بیشتری داشته باشد، معماری حاصله از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود. فضاهای بینابینی شرایطی را فراهم می‌آورند که افراد می‌توانند نه تنها از نظر فیزیکی، بلکه از لحاظ معنوی و احساسی نیز از یک فضا به فضای دیگر منتقل شوند. این فضاها ماهیت سیال و موقتی‌شان، به‌عنوان فضاهای گذار عمل کرده و با ایجاد عدم قطعیت و امکانات بی‌پایان، بستری مناسب برای تفکر، تأمل و تعاملات انسانی فراهم می‌آورند (ر.ک: Mayhew, 2019). مخاطب در این گذار ابتدا درگیر کالبد، شکل و ظاهر می‌شود. در صورتی که رابطه بین اجزا دارای انسجام و کیفیتی مشترک باشد، ذهن مخاطب در برابر یک کل واحد قرار می‌گیرد و او را برای قرارگیری در ساحت بعدی آماده می‌کند. رابطه میان دو توده و گذار از آن چند حالت را شامل می‌شود که در جدول شماره ۲ به آن پرداخته شده است.



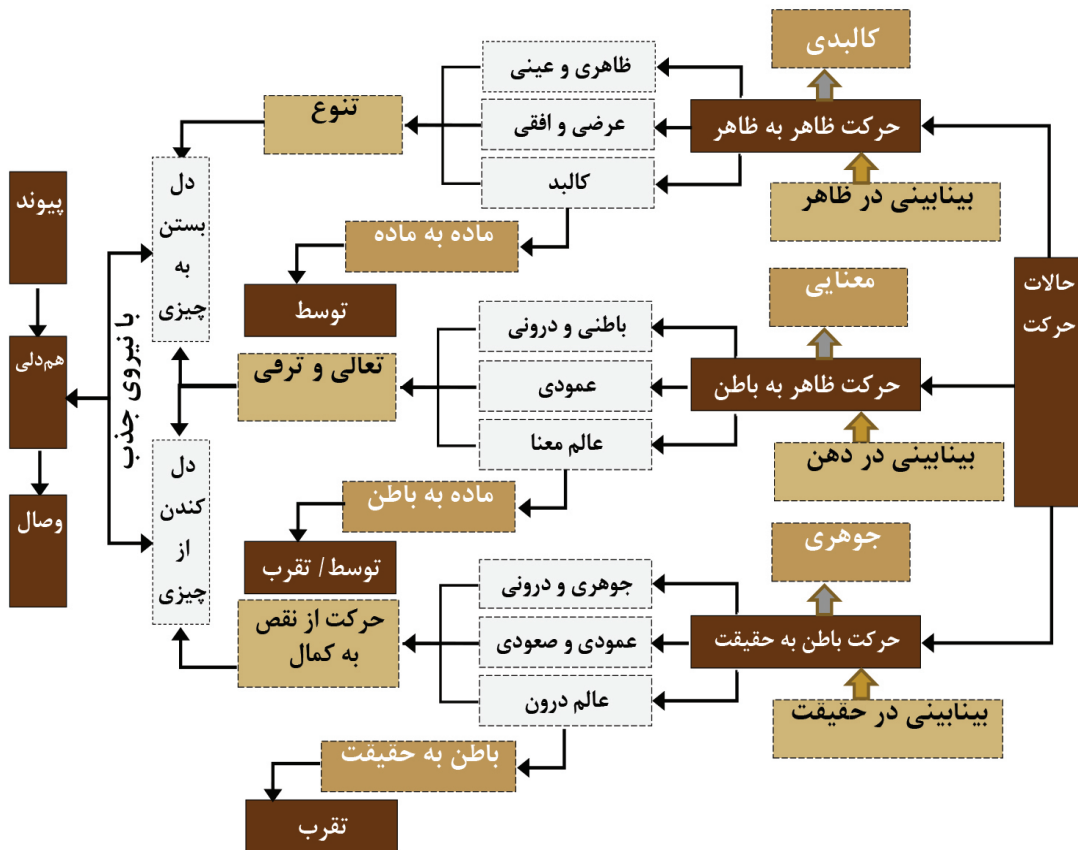
محدوده بینابینی در مرتبه تقرب یا وصال در معماری
تک سویه بودن حرکت در محدوده بینابینی در
مرتبه تقرب یا وصال

نمودار شماره ۸: تک سویه بودن حرکت در مرتبه توسط



محدوده بینابینی در مرتبه توسط در معماری
دو سویه بودن حرکت در محدوده بینابینی در مرتبه
توسط یا در میانگی

نمودار شماره ۷: دو سویه بودن حرکت در مرتبه تقرب



نمودار شماره ۹: بررسی حالات حرکت در مراتب بینابینی

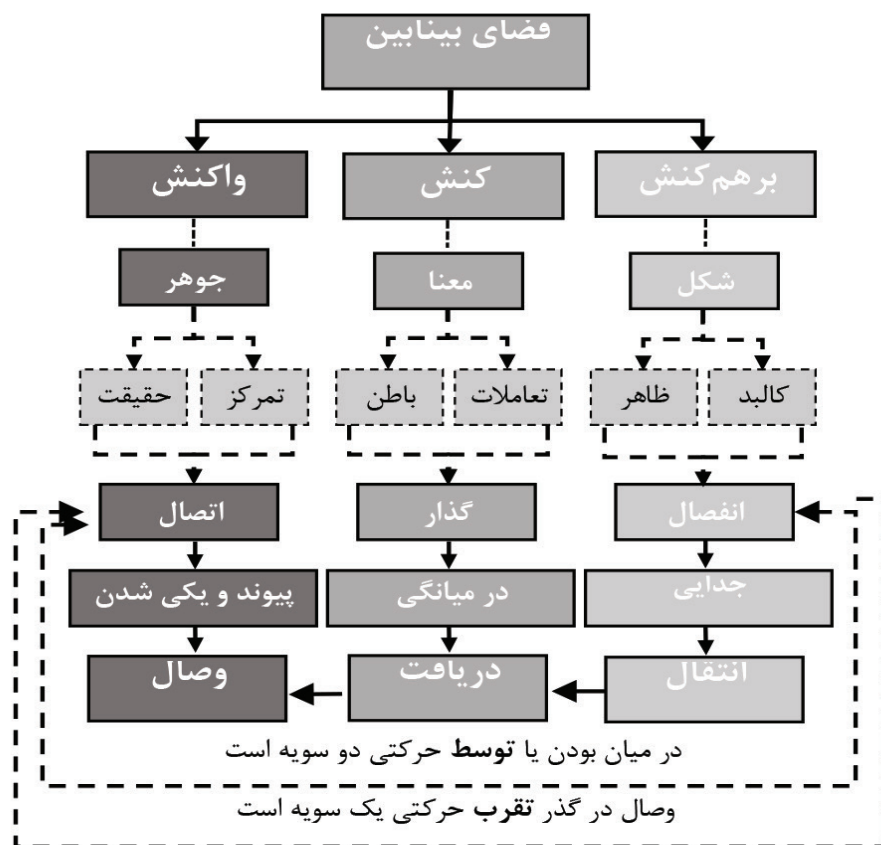
ویژگی‌های فضای بینابینی در معماری

کالبد (ظاهر): ویژگی‌ها و امکانات ذاتی و درونی، که با ماهیت یک موجودیت ارتباط دارند، در معماری نیز به همین شکل در نظر گرفته می‌شوند. در این راستا، فضای بینابینی به‌عنوان جزئی از ساختمان شناخته شده و همچون یک کالبد، کارکردهایی چون انفصال از فضای قبل و انتقال فضاها را بر عهده

دارد. معنا (باطن): مخاطب در این مرتبه از معماری، فضای گذار را تجربه و دریافت می‌کند. فضای بینابینی محلی برای آمادگی ذهنی و روحی فرد است. شناخت و نگرش مبتنی بر مکان می‌تواند به‌طور مؤثری بر رفتار فرد در فضاهای خاص تأثیر بگذارد. این یافته‌ها می‌توانند در تحلیل تأثیر فضای بینابینی در تجربه‌های روحی و روانی افراد در فضاهای معماری کاربرد داشته باشند (ر.ک):

تحت تأثیر قرار می‌دهد (ر.ک: shamai, 1991) مخاطب در مرتبه واکنش، اتصال و یکی شدن با مقصد و در نهایت وصال را تجربه می‌کند. برای دست‌یافتن به مرتبه حقیقت بینابینی در معماری باید سیر ظاهر به باطن را باید تجربه کرد. (نمودار شماره ۱۰)

(Stedman, 2002). جوهر (حقیقت): متناظر با درک ذهنی از فضا و روابط میان آنهاست. به‌طور خاص، فضای بینابینی در معماری می‌تواند به‌عنوان یک محیط شکل‌دهنده حس تعلق و هویت مکانی در نظر گرفته شود که تجربه‌های فیزیکی و روحی افراد را



نمودار شماره ۱۰: ویژگی‌های مراتب بینابینی در معماری

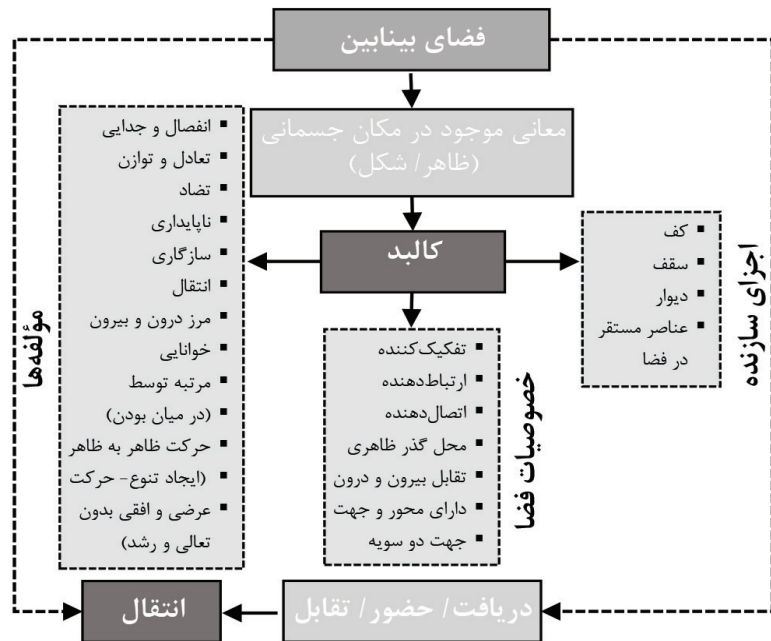
نفس که گاهی به یک مرز بدل می‌شود و در معماری به یک ناحیه زودگذر با هدف به هم وصل کردن دو بخش از یک بنا تبدیل می‌شود. مفهوم نواحی انتقالی در پیوند با مفاهیمی همچون مرکز، مرزها و پیوستگی حرکت در نظام‌های فضایی معماری سنتی، از طریق نمونه‌هایی مانند مسجد و بازار تبیین می‌شود. در نهایت، این نتیجه حاصل می‌شود که بینابینی در معماری، مفهومی بنیادین و ریشه‌دار در سنت است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۱۱۹). این مرز فضای قبل و بعد

برهم‌کنش؛ ظاهر (ویژگی‌های آشکار کالبدی)

عناصر سازنده هر فضا یا به بیانی دیگر کالبد هر فضا در دید اول دارای مؤلفه‌های ظاهری است؛ که به نقل از گروتز: کیفیت فضا تابع عناصر مادی متشکله آن و ارتباط آنها با هم است. اجزای ظاهری سازنده فضا، عبارتند از کف، جداره‌ها، سقف (لیدا بلیلان و سایرین، ۱۳۸۷: ۶۸). بینابینی به‌عنوان یک ناحیه انتقالی در مرتبه ظاهر، ناحیه گذار ظاهری است، سرآغاز حرکت از

در مساجد، مقابر و خانقاه‌ها، فضاهای باز یا نیمه‌باز همچون حیاط و صحن به‌عنوان فضاهای میانجی عمل کرده و تجربه ورود به فضاهای مقدس تا فضای اصلی را تدریجی، تکرارشونده و معنادار کند (Arnheim, 1966, 12). در مرتبه ظاهر مخاطب در تقابل بیرون و درون فرصت دریافت پیام را پیدا می‌کند و این بینابینی دارای کیفیت انتقال می‌شود. (نمودار شماره ۱۱)

را دارای هویت می‌کند و این گذار ظاهری دارای ویژگی خوانایی می‌شود. تقابل بیرون و درون در مرتبه ظاهر در یک آن صورت می‌گیرد ولی همین لحظه کوتاه نیز دارای محور و جهت است و چون مقصد و مبدأ مشخص است، جهت حرکت دو سویه است. این وضعیت در معماری، به‌ویژه در مساجد شیعه، به‌شکلی تدریجی و ممتد تکرار می‌شود.



نمودار شماره ۱۱: بینابینی در مرتبه ظاهر و کالبد در معماری

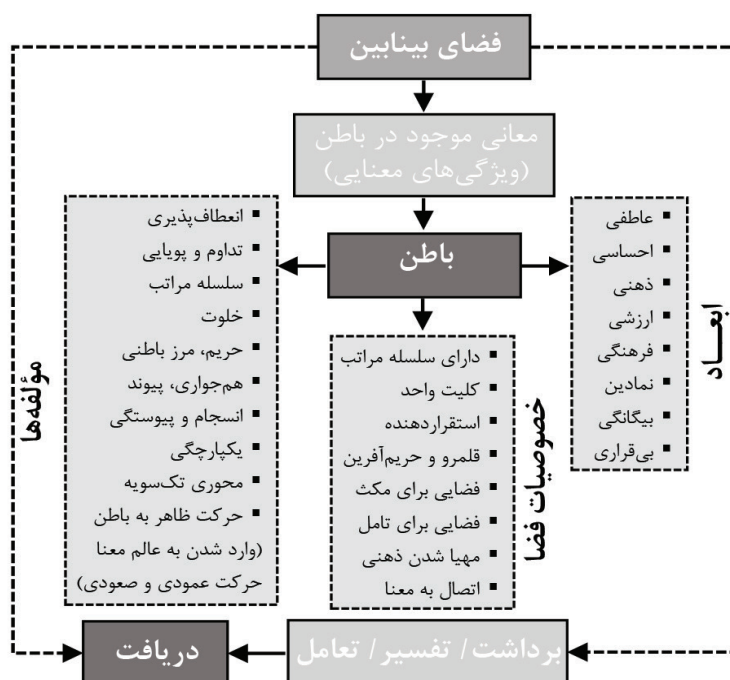
انسجام و عدم انفصال اجزا در مرتبه باطن حاصل می‌گردد. مهم‌ترین مفهوم در شکل‌گیری ساختارهای زنده در معماری؛ «مراکز نیرومند» است. ماهیت یک مرکز در گرو میدان نیروی ناشی از آن است و آنچه وی به عنوان مفهوم «کل» و کلیت از آن یاد می‌کند، اساساً در عمل به‌مانند یک مرکز نیرومند پدیدار می‌شود (الکساندر، ۱۳۹۰؛ ۱۱۹). در این جا عالم معماری به‌مانند یک کل واحد ترکیبی منسجم به نام بنا را می‌سازد. بنا محصول معماری در مرتبه روحانی و باطنی است و فضای بینابین محل اتصال به معناست. بینابینی در مرتبه باطن مجالی برای رسیدن به یک مقصد را با درک

کنش؛ باطن (ویژگی‌های کارکردی - جنبه‌های احساسی قابل درک از پدیده)

بینابینی در این مرتبه امکان آماده شدن برای قرار گرفتن در ساحتی دیگر را نه تنها در مرتبه ظاهر بلکه در باطن نیز فراهم می‌کند. فواصل میان کنش‌ها عاملی برای ایجاد فضای بینابینی، طمأنینه، گسترش و سرور است؛ مفهومی که در تقابل با شتاب‌زدگی ناشی از تراکم رویدادها و تداخل امواج کنش‌ها قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۹۱؛ ۱۳۲). اثر معماری هر چه ترکیب بهتری داشته باشد، پیوستگی اجزای آن کامل‌تر خواهد بود، این کیفیت باعث ایجاد حس کلیت در یک اثر می‌شود که از تعادل،

کامل از آن فراهم می‌کند به این ترتیب که فرصتی را در اختیار فرد قرار می‌دهد تا با درک کامل، فضا را تجربه کند و برای تغییر وضعیت و رسیدن به مقصد که همان تقرب و وصال است آماده شود. این فضاها برای انتقالی، می‌توانند فرصت‌هایی برای تفکر و خوداندیشی فراهم کنند. (ر.ک: Abdel & Pintos, 2022) این معنا در معماری متناظر با

ایوان، هشتی، دالان، دهلیز و رواق است. درون و بیرون در یک ارتباط تعاملی قرار می‌گیرند و با یک گذر باطنی فرصت و لحظه‌ای را در اختیار می‌گذارند تا فرد در تعامل با فضا فرصت برداشت و تفسیر را پیدا کرده و در تجربه مسیر رو به وصال، بینایی، امکان دریافت را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. (نمودار شماره ۱۲)



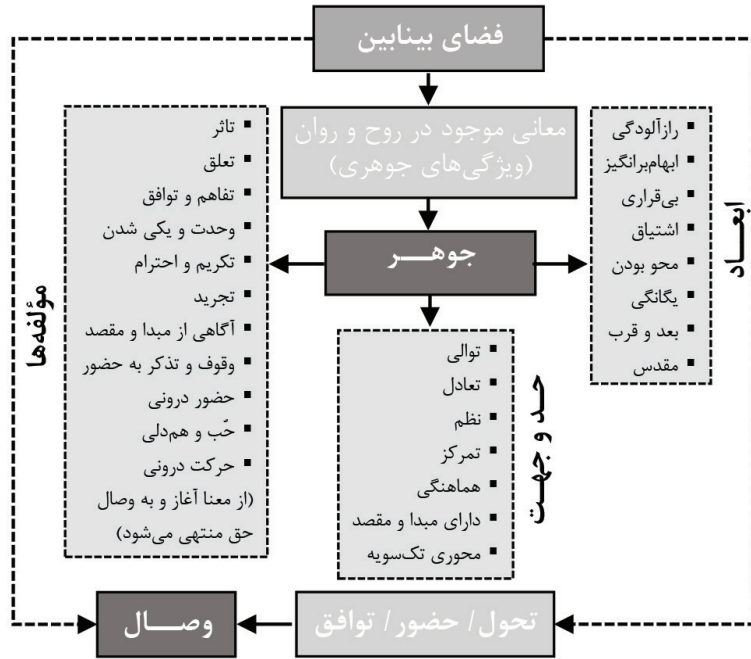
نمودار شماره ۱۲: بینایی در مرتبه باطن در معماری

واکنش؛ حقیقت در میانگی (تعامل)، جنبه‌های تاثیرگذار و متحول کننده

ارتباط مرتبه ظاهر و باطن مستقیم نیست؛ لذا دو مرتبه ظاهر و باطن مستقیم نیست؛ لذا وابسته به نگره‌های عرفانی در مرتبه حقیقت است. مرتبه حقیقت سرآغاز حرکت از فنای سالک، توجه به کثرت و شهود حق و نیل به مقام بقای جاویدان است. یافتن ارتباط بین عرفان و معماری، بینایی در مرتبه حقیقت را تجلی می‌بخشد. کیفیت معماری در مرتبه حقیقت فراتر از یک مرز کالبدی و جسمانی در عالم معماری است. شوق وصال در تبیین روابط می‌تواند ملاک انفصال باشد.^(۲) در مسجد امام در میدان نقش جهان اشتیاق

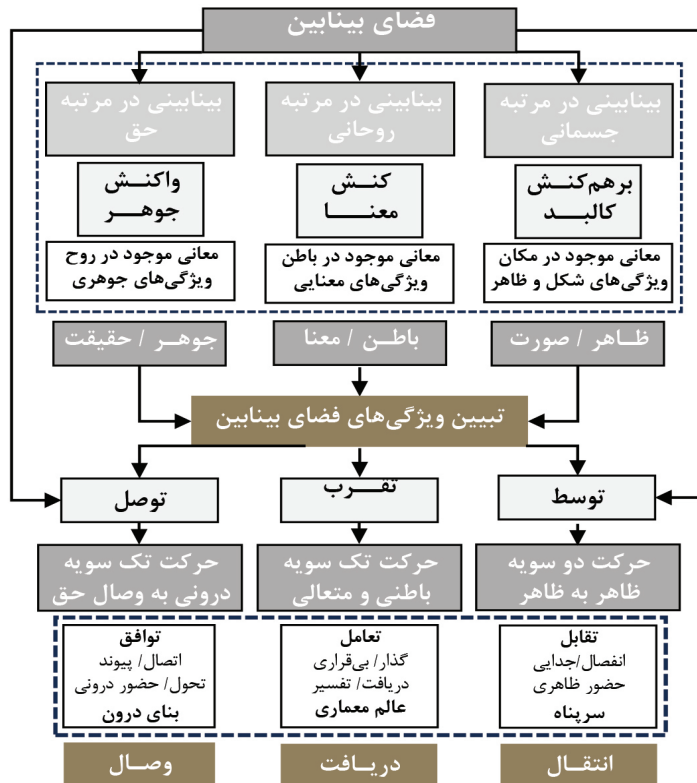
وصال به گنبدخانه با درد جدایی از میدان به‌طور هم‌زمان تجربه می‌شود و حقیقت این انفصال و اتصال توأماً در کیفیت معماری فضای بینایی بیرون و درون خلاصه می‌شود. در این مرتبه، بینایی دیگر نقش نماد و نشانه را ندارد بلکه فراتر رفته و حضوری درونی را تأکید می‌کند. شولتز «حضور» را هم‌تراز با مفهوم «فضاییت» هایدگر در نظر می‌گیرد. مفهومی که «در مکان بودن» را آشکارا بیان می‌کند (شولتز، ۱۳۹۳؛ ۵۱) جهت حرکت در این مرتبه با اشاره به هدف تقرب و وصال تک‌سویه و متعالی به سوی حریمی دارای ارزش و مقدس است. در مرتبه حقیقت، فرد مراتب ظاهری و باطنی را طی کرده، به

حضورى همراه با تأمل و مکاشفه مى‌رسد. بنابراین فضای بینابینی که جایگاه این درنگ تأمل برانگیز است؛ با کیفیت حضور، دارای ویژگی‌هایی همچون اشتیاق، ابهام و رازآلودگی می‌باشد. مفهوم جدایی و پیوند در این مرتبه معنایی متفاوت دارد؛ همان‌طور که اشاره شد مرتبه ظاهر دارای کیفیت تقابلی، مرتبه باطن کیفیت تعاملی و در مرتبه حقیقت این کیفیت توافقی است. پیوند درون و بیرون منجر به فضایی نو در عالم حقیقت و بنای از دل برآمده می‌شود.



نمودار شماره ۱۳: بینابینی در مرتبه حقیقت در معماری

در یک جمع‌بندی از سه مرتبه درهم‌کنش، کنش و واکنش می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد (نمودار شماره ۱۴):



نمودار شماره ۱۴: مراتب بینابینی

بینابینی در مرتبه جسمانی، معانی موجود در مکان را شامل شده و ویژگی‌های شکل و ظاهر را مطرح می‌کند. مخاطب با رویارویی در مرتبه توسط در مسیری قرار می‌گیرد که دارای جهت و ماهیت است. این حرکت عرضی و افقی دارای جهتی دوسویه بوده و ویژگی آن تقابل است. مخاطب در این مرتبه انتقالی، با درک انفصال و جدایی به دریافت پیام محیط پرداخته و به ساحت بعدی که بینابینی در مرتبه روحانی است وارد می‌شود. با ذهنی آزاد و آرام به معانی موجود در باطن می‌پردازد و ویژگی‌های معنایی بر او آشکار می‌شود. مخاطب در مرتبه تقرب حرکتی تک‌سویه، باطنی و متعالی را تجربه می‌کند که ویژگی آن تعامل است. در این مرتبه مخاطب با بی‌قراری گذر را هم‌زمان با برداشت و تفسیر، دریافت می‌کند تا به بینابینی حقیقی برسد. باروحي فارغ از تمامی تعلقات، با شوق وصال حق طی مسیری می‌کند. این مرتبه در معماری متناظر با بنایی از دل برآمده بوده که دارای کیفیت جاودانگی و ماندگاری است.

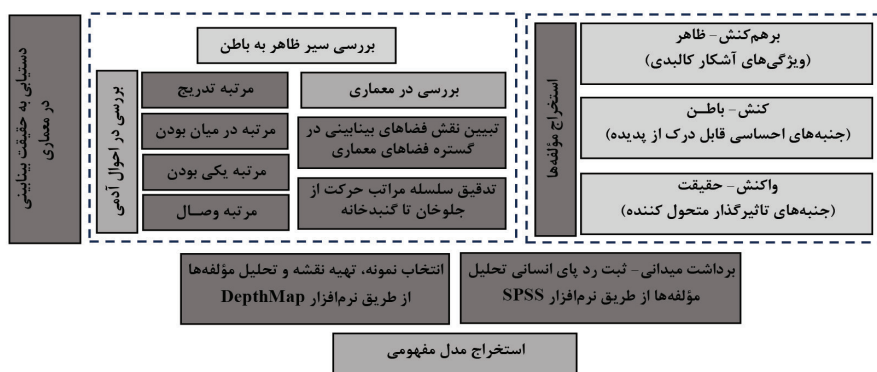
روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، کیفی-کمی (آمیخته) است و از حیث جمع-آوری اطلاعات، نوعی تحقیق میدانی به شمار می‌رود. در ابتدا، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، تعاریف و مفاهیم مرتبط با «بینابینی»، «انفصال»، «گذر» و «اتصال» و همچنین مؤلفه‌های فضای بینابینی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف استخراج گردید. سپس، مسجد امام اصفهان به عنوان نمونه‌ای واجد شرایط جهت مطالعه موردی انتخاب شد.

نمونه مورد مطالعه در این تحقیق با بهره‌گیری از روش چیدمان فضا^۱ و تحلیل‌های تخصصی آن از طریق نرم‌افزارهای مرتبط، در رویکرد گراف دیداری مورد تجزیه و تحلیل بصری قرار گرفت. در این تحلیل، شاخص‌هایی چون «ارتباط» و «عمق قابل پیمایش» در نظر گرفته شد تا الگوهای فضایی و تعاملات موجود در فضاهای بینابینی به‌طور دقیق‌تر شبیه‌سازی و تحلیل شوند.

در بخش کمی، جامعه مورد بررسی شامل تمامی صاحب‌نظران، اساتید، مسافران و گردشگران شهر اصفهان و همچنین شهروندان این شهر است که در مجموع به تعداد نامحدود برآورد می‌شود. برای تعیین حجم نمونه در این بخش، از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به نامحدود بودن حجم جامعه، کاربران مسجد امام در بازه‌های زمانی مشخص و در دفعات متغیر در طول هفته تعیین گردید. این افراد علاوه بر پرکردن پرسشنامه، در مصاحبه‌هایی نیز شرکت کردند.

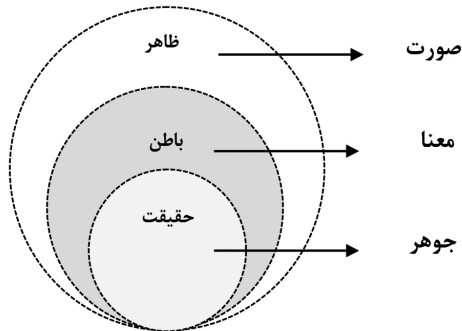
ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق در این بخش شامل ۱۶ نفر از خبرگان معماران، صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی، و اساتید رشته معماری در مراکز آموزش عالی است. این افراد در حوزه‌های آموزش، پژوهش و اجرا، مرتبط با موضوع تحقیق فعالیت دارند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای آماری مختلف شامل PLS، SPSS و Super Decision استفاده شد. به علاوه، برای بررسی سوالات تحقیق از روش دلفی فازی و همچنین روش تحلیل شبکه‌ای ANP و معادلات ساختاری (SEM) بهره گرفته شد.



بحث و تحلیل یافته‌ها

در تحلیل و بررسی فضای بینابینی مسجد امام اصفهان، از دوروش تجزیه و تحلیل نرم افزاری (تحلیل کالبدی و عینی فضا) و برداشت‌های میدانی (تحلیل ادراکی و ذهنی فضا) به منظور بررسی فصل و وصل استفاده شده است. همان‌طور که در مبانی نظری بررسی شد، ویژگی‌های کالبدی و عینی فضاها بینابینی، سازگار بر حالات ادراکی و ذهنی این فضا است. بر این اساس تطبیق سازگاری یا عدم آن طبق یافته‌های پژوهش به این شرح تبیین می‌شود: در بخش تحلیل یافته‌های کیفی، این پژوهش فضای بینابینی را دارای ویژگی‌های درونگرایی، توالی حضور، جهت‌مداری و هویت‌بخشی به مکان می‌داند. در میان بودن، یکی بودن، تقابل، رازآلودگی و ابهام، از مراتب توسط، در بینابینی است. در راستای تبیین الگویی مطابق یافته‌ها، مراتب سه‌گانه انفصال، گذار و اتصال، در مراتب سیر ظاهر به باطن تجربه می‌شوند. حرکت ظاهر به ظاهر در مرتبه شکل و کالبد: برهم‌کنش، دارای ویژگی‌های انفصال و جدایی،

محل گذر ظاهری، مرز درون و بیرون و دارای محور و جهت دو سویه

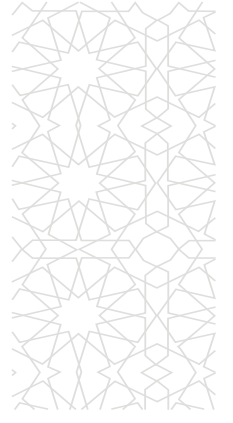


نمودار ۱۶: سیر حرکت از ظاهر به باطن جهت دست‌یافتن به حقیقت

حرکت ظاهر به باطن در مرتبه معنا: کنش، دارای ویژگی‌های انعطاف‌پذیری، انسجام و پیوستگی، فضایی برای مکث و تأمل و مهیا شدن ذهنی حرکت درونی به سوی حقیقت در مرتبه جوهر: واکنش، متناظر با مفهوم انتزاعی یا ذهنی از روابط بین فضا، دارای ویژگی ابهام‌برانگیز، عدم تعلق، وحدت، وقوف به حضور و حب و همدلی. مؤلفه‌های یاد شده در تعریف بینابینی و مراتب آن در جدول شماره ۳ تنظیم شده است.

جدول شماره ۳: مؤلفه‌های مؤثر در تعریف محدوده‌ی بینابین و مراتب آنها

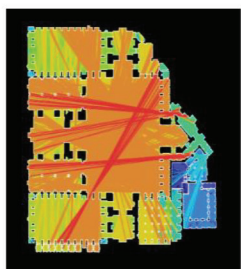
زیرمؤلفه		مؤلفه‌های مؤثر بر محدوده بینابین و مراتب آن در معماری	زیرمؤلفه	مؤلفه‌های مؤثر بر محدوده بینابین و مراتب آن در معماری
سردرگمی	تأثر	جوهری	انفصال و جدایی	کالبدی
تفاهم و توافق	عدم تعلق		توازن و تعادل	
تکریم و احترام	وحدت و یکی شدن		تضاد	
رازآلودگی	ابهام‌برانگیز		مرتب‌توسط (در میان بودن)	
اشتیاق	بی‌قراری		محل گذر ظاهری	
تظم و تعادل	بعد و قرب		حرکت ظاهر به ظاهر	
تجربید	آگاهی از مبدا و مقصد	تداوم و پویایی	معنایی	
محوری تک‌سویه	مرتبه تقرب	خلوت		
حُب و هم‌دلی	حُب و هم‌دلی	هم‌جواری، پیوند		
وقوف و تذکر به حضور	وقوف و تذکر به حضور	انسجام و پیوستگی		
حرکت درونی به سوی حقیقت	حرکت درونی به سوی حقیقت	فضایی برای مکث و تأمل		
			حرکت ظاهر به باطن	



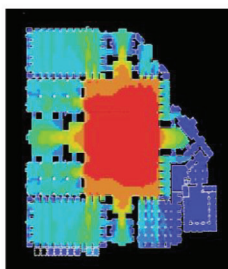
آنالیز مسجد امام اصفهان با استفاده از نرم افزار دپسمپ

آنالیزها از طریق نرم افزار دپسمپ و به دو صورت آنالیز حرکتی و بصری جهت شناسایی ویژگی‌های کالبدی فضا انجام شده است و مؤلفه‌های مورد سنجش توسط ابزار: نرم افزار، عبارتند از:

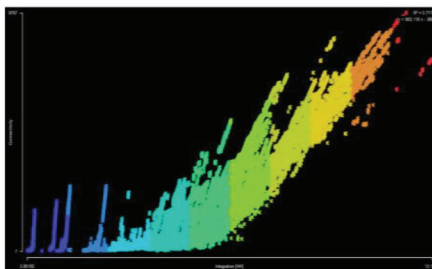
قابلیت یکپارچگی فضا، هرچه یکپارچگی فضایی بیشتر باشد، امکان انفصال، گذار و اتصال نیز بیشتر فراهم خواهد شد. میزان همبستگی، که به دو صورت هم‌پیوندی محلی و هم‌پیوندی عمومی بیان می‌شود. قابلیت درک فضایی، که رابطه مستقیمی با خوانایی در فضاهای بینایی دارد.



شکل ۱: آنالیز حرکتی مسجد امام توسط



شکل ۲: آنالیز بصری مسجد امام توسط



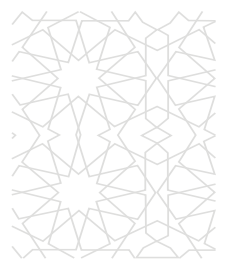
شکل ۳: اسکاتر پلات خوانایی مسجد امام معادله رگرسیون خطی مسجد امام $R^2: 0.74$

که هم‌بستگی زیر ۰/۴ ضعیف، بین ۰/۴ و ۰/۷ متوسط و بالاتر از ۰/۷ قوی می‌باشد، بالاتر بودن این عدد از میزان ۰/۷ نشان از همبستگی بالای بین مؤلفه‌ها دارد. مقادیر کمی مؤلفه‌های مورد سنجش در جدول ۴ آمده است.

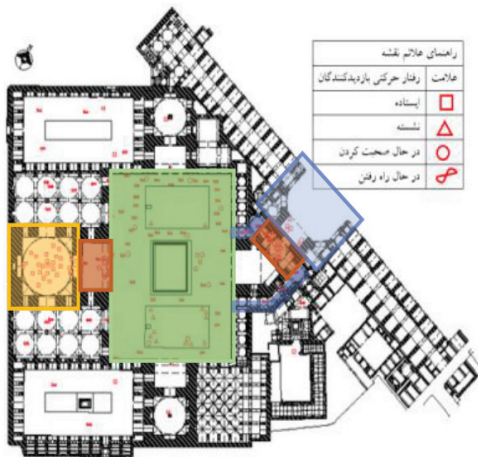
شکل ۳ رابطه همبستگی میان قابلیت اتصال و میزان هم‌پیوندی را نشان می‌دهد. رنگ آبی نشانه کمترین میزان همبستگی و رنگ قرمز نشانه بیشترین میزان آن می‌باشد. میزان R^2 در معادله رگرسیون خطی مسجد امام اصفهان ۰/۷۴ می‌باشد. از آنجایی

جدول شماره ۴: بازخوانی مؤلفه‌های کالبدی فضای بینایی در مسجد امام

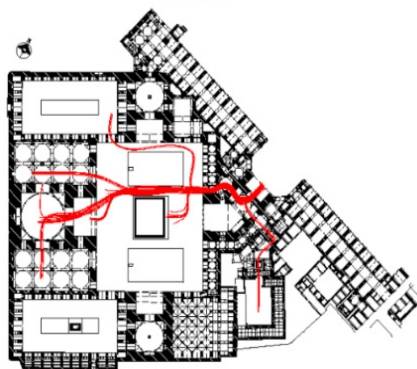
منطقه دید بصری	عمق متوسط	طول خط	شدت	همبستگی و یکپارچگی	نی‌نظمی	قابلیت اتصال	مکث	هم‌پیوندی	مؤلفه‌های فضای بینایی در مسجد امام اصفهان	نام فضاهای مسجد
۸۵۵۸۱۷۹	۲/۳۱	۲۰۹/۳۹	۰/۸۶	۶۸/۲۶	۱/۳۷	۰/۰۴	۵۶۲	۹۱۵۳۹	۷/۴	جلوخان
۱۴۹۰۰۸	۲/۶۹	۲۹۲/۱۹	۰/۷۸	۱۱۳/۷۱	۱/۳۱	۰/۰۴	۵۰۲	۲۲۷۵۶	۷/۲	هشتی
۲۲۳۷۱	۲/۸۳	۳۷۴/۲۸	۱/۴۶	۱۵۶۲/۵۳	۱/۲۷	۰/۸۲	۷۶۲	۱۸۷۲۴	۹/۶	دالان کوتاه
۲۸۱۶۴	۱/۶۴	۴۸۹/۶۷	۱/۱۲	۲۱۳۷/۸۳	۱/۳۵	۰/۲۰	۸۰۲	۱۶۳۷۹	۸/۳	دالان بلند
۳۹۵۳۴۴	۱/۹۹	۱۱۰۱/۰۸	۱/۷۴	۲۷۶۱/۷۵	۱/۳۳	۰/۴۰	۹۵۱۶	۵۱۲۷۶۶	۱۲/۵	میانسرا
۳۶۴۲۱۸	۲/۳۲	۱۶۸/۴۷	۱/۶۸	۳۲۸۴/۴۷	۱/۲۱	۰/۴۴	۷۸۳۳	۲۳۹۵۴۳	۱۱/۱	ایوان جنوبی
۲۲۲۶۳۶	۱/۶۱	۹۱۵/۲۰	۱/۵۷	۴۹۱۶/۳۳	۱/۰۶	۰/۲۹	۷۲۵۹	۴۷۱۶۲۶	۱۲/۱	گنبدخانه
۴۵۳۹۵۱	۲/۰۷	۹۶۸/۵۳	۱/۶۲	۲۸۶۸/۶۷	۱/۷۴	۰/۳۳	۷۸۳۳	۲۳۹۵۴۳	۱۱/۱	شبستان



مشاهدات میدانی مسجد امام اصفهان



نمودار ۱۷: ترسیم ردپای بازدید کنندگان مسجد امام

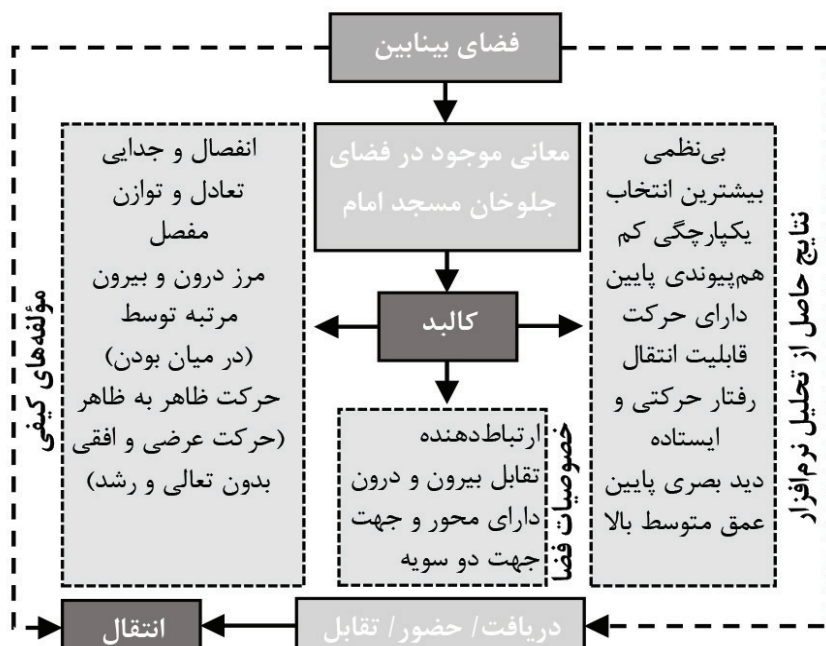


نمودار ۱۸: رفتار حرکتی بازدید کنندگان مسجد امام (هدایتی و سایرین، ۱۴۰۲)

تطبیق یافته‌ها در جلوخان مسجد امام اصفهان

تجزیه و تحلیل‌های نرم‌افزاری و میزان عددی قابلیت انتخاب از مؤلفه‌های سنجش نرم‌افزار، نشان می‌دهد که جلوخان از یکپارچگی و هماهنگی کمتری نسبت به سایر فضاهای مسجد برخوردار بوده و دارای بیشترین مقدار انتخاب است. هنگام ورود، پس از عبور از درون بازار پرهیاهو و گذر از میدان وسیع و طویل که خود فضایی بینابینی در مقیاسی بزرگتر است، به جلوخان کثیرالاضلاع مسجد که واسط و نخستین مفصل و محل تقابل درون و بیرون مسجد است می‌رسیم.

مشاهدات میدانی شامل دو بخش می‌باشد: ثبت ردپای انسانی و ثبت رفتارهای انسانی. به این ترتیب ۲۰ نفر به صورت اتفاقی شامل مرد و زن در رده‌های سنی متفاوت، انتخاب و رفتار حرکتی آنها مورد بررسی قرار گرفت. مسیر حرکت هر یک از افراد با خطی در نقشه مسجد مشخص شده است. سه گام اصلی در حرکتی که به وصال منجر می‌شود («انفصال، گذار و اتصال») می‌باشند. «اتصال» تبیین‌کننده موجودیت دو عنصر است که به هم متصل می‌شوند. در اتصال دو موجودیت، هر یک مجموعه ویژگی‌های خود را به همراه می‌آورد و آنچه از ویژگی‌هایشان مشترک است در کنار هم قرار می‌گیرد و اتصال پدید می‌آید (حجت، ۱۳۹۴؛ ۸۹). در عالم معماری گذار در وضعیت بینابینی دو موقعیت انفصال و اتصال است که نتیجه آن رسیدن است، بنابراین دارای اهمیت خاصی است. حاصل گذار از فضای بینابینی، آماده شدن و ایجاد حالت معنوی برای رسیدن و اتصال است و به مانند یک نقطه عطف ویژگی‌هایی همچون تدریجی بودن، تحول، جهت‌مداری و هدف‌داری برای آن مطرح می‌شود. بنابراین هر فضا به واسطه کالبد، معنا و حقیقت خاص خود، موجبات بروز رفتارهای خاص انسانی را فراهم می‌آورد. ممکن است فضای بینابینی که در این جا به کرات تکرار می‌شود؛ به واسطه شرایط کالبدی و معنایی مخاطب را به ایستادن یا نشستن (مکث، خیال و توهّم)، راه رفتن (شوق وصال)، و یا صحبت کردن با همراهان خود، وادارد. از این حیث، این‌گونه رفتارهای انسانی، ثبت و روی نقشه مسجد با نشانه‌هایی که در جدول راهنمای علائم نقشه آمده است، علامت‌گذاری شده است.

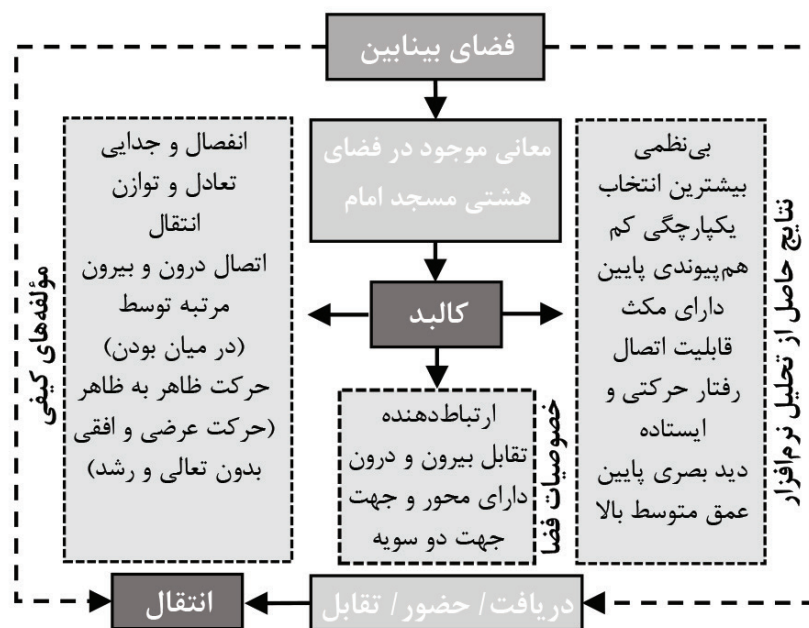


نمودار ۱۹: معانی موجود در فضای جلوخان مسجد امام

تطبيق یافته‌ها در هشتی مسجد امام اصفهان

این مرتبه از بینابینی معماری، با مرتبه ظاهر متناظر است و ناحیه انتقال دارای ویژگی توسط با حرکتی دارای جهت عرضی و دو سویه می‌باشد. به این ترتیب که سلسله

مراتب حضور طی می‌شود، در مرتبه‌ای بالاتر، فضای هشتی ورودی است که به جهت هم راستا شدن با قبله چرخشی ۴۵ درجه ایجاد می‌کند. نتیجه این چرخش ابعاد نامساوی دالان‌های دو طرف ایوان شمالی به سمت حیاط است.



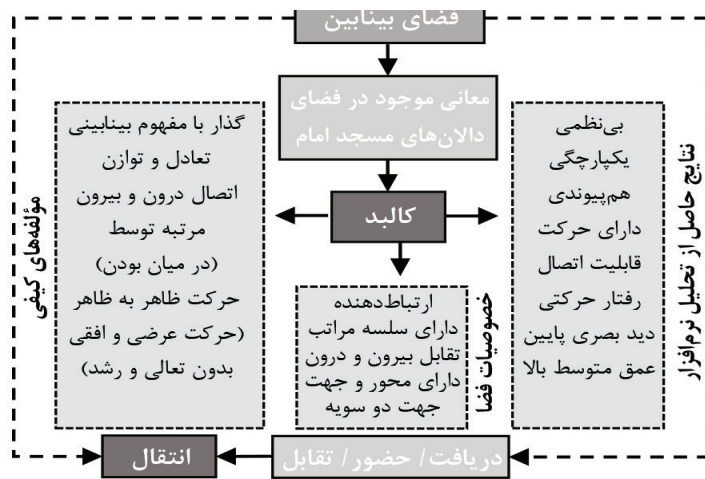
نمودار ۲۰: معانی موجود در فضای هشتی مسجد امام

تطبیق یافته‌ها در دالان‌های ارتباطی مسجد امام اصفهان

به واسطه چرخش ۴۵ درجه، دو دالان شرقی و غربی با طول‌های نامساوی شکل می‌گیرند و مخاطب از دالان کوتاه‌تر به میانسرا وارد می‌شود. این محدوده فضایی به شکلی نمادین به فرد فرصت می‌دهد تا با پی بردن به ویژگی‌های معنایی به تدریج به تحلیل پردازد و از لحاظ روحی از هیاهو و دغدغه‌های جسمی فارغ شده و به تعاملی بین فضای بیرون و درون دست یابد. در این سیر فضای بینابین به کرات تکرار می‌شود تا فرد به میانسرا برسد. در یافته‌های نرم‌افزاری در تبیین میزان هم‌پیوندی دالان کوتاه‌تر دارای میزان هم‌پیوندی بالایی می‌باشد.

بررسی‌های میدانی نشان از آن دارد که این فضا به دلیل اینکه تنها مسیر دسترسی به صحن است، تجمع‌پذیری بالا و هم‌پیوندی مطلوبی دارد. نتایج برداشت‌های میدانی نیز مبین همین حالت است.

فضای بینابینی نقطه تقابل درون و بیرون است که در مرتبه ظاهر با جهت‌گیری دوسویه عمل می‌کند. این فضا به‌عنوان مرزی مشترک، ویژگی‌های کالبدی قبل و بعد را در خود دارد و به انسجام معماری کمک می‌کند. فضای بینابینی با ایجاد نقطه عطفی در جابه‌جایی فرد از یک وضعیت به وضعیت دیگر، انعطاف‌پذیری معماری را تقویت می‌کند.

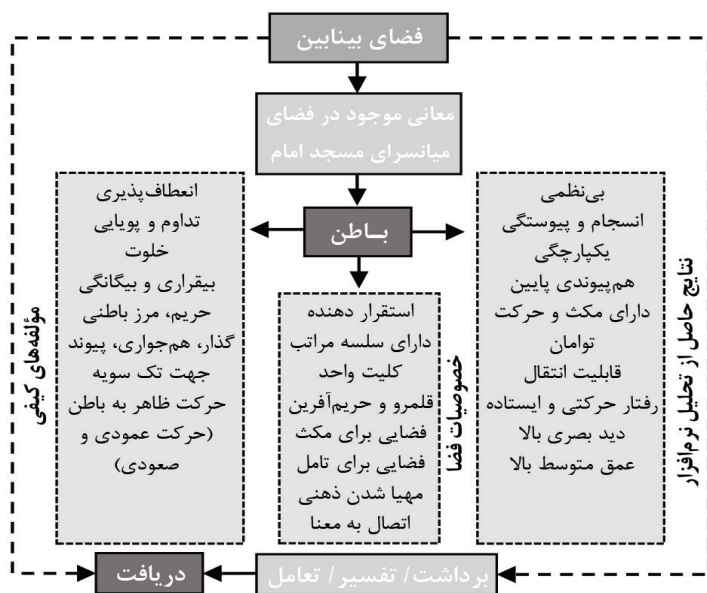


نمودار ۲۱: معانی موجود در فضای دالان‌های مسجد امام

تطبیق یافته‌ها در میانسرا مسجد امام اصفهان

تحلیل یافته‌های نرم‌افزاری و بررسی‌های میدانی نشان از آن دارد که قسمت صحن مسجد به دلیل سهولت دسترسی و دارا بودن میزان تجمع‌پذیری بالا از دید بازدیدکنندگان، دارای هم‌پیوندی بالایی می‌باشد. نتایج حاصل از مشاهدات میدانی و تراکم خطوط نشان می‌دهد که بازدیدکنندگان از حیاط به‌عنوان نقطه اتصال به سایر فضاهای مسجد بیشترین میزان عبور را داشته‌اند و بیشتر افراد

پس از ورود به صحن مسجد، به سمت گنبدخانه در حرکتند. در این مورد می‌توان گفت که نتایج مشاهدات و خروجی نرم‌افزار باهم سازگاری دارد. لحظه ورود به میانسرا با دیدن گلدسته‌ها، ارتباط خیال انسانی با ویژگی‌های ساختار فضایی ایوان جنوبی ارتباط عاطفی را به تجربه‌کننده می‌بخشد، تحولی در او رخ می‌دهد و با بی‌قراری آماده انتقال و رسیدن به مقصد نهایی که همان وصال می‌باشد، می‌شود.

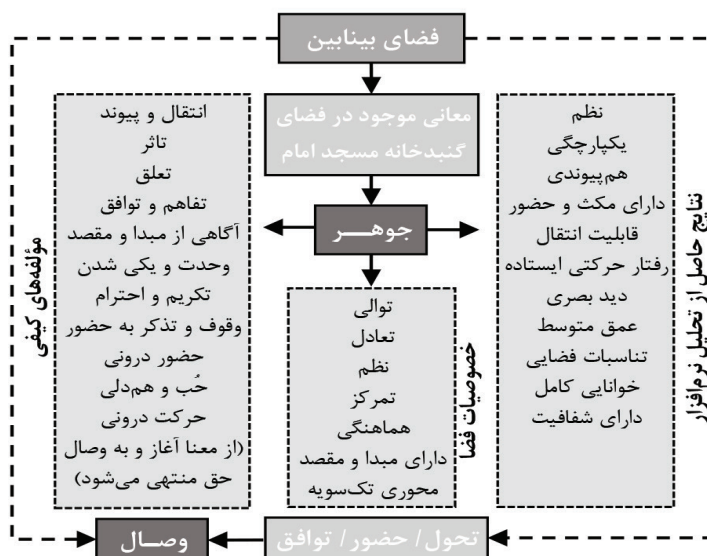


نمودار ۲۲: معانی موجود در فضای میانسرای مسجد امام

گرفته‌اند. دید بصری فضای گنبدخانه از سایر فضاها بیشتر و بنابراین خوانایی این فضا نسبت به سایر فضاهای مسجد بیشتر است. از سویی دیگر با بررسی نتایج مستخرج از مشاهدات میدانی و تحلیل رفتارهای حرکتی بازدیدکنندگان، گنبدخانه به‌عنوان فضایی که شفافیت بیشتری نسبت به سایر فضاها دارد، دارای میزان دید بصری بالاتری می‌باشد. در خصوص سه مؤلفه طول خط، شدت و عمق متوسط نیز فضای گنبدخانه بیشترین مقادیر را به خود اختصاص داده است.

تطبيق یافته‌ها در گنبدخانه مسجد امام اصفهان

نتایج تجزیه و تحلیل‌های نرم‌افزاری نشان می‌دهد (جدول شماره ۴) که فضای گنبدخانه و پس از آن شبستان از یکپارچگی و هماهنگی بالاتری نسبت به سایر فضاهای مسجد برخوردار است. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که غالب مردم در فضای گنبدخانه مکث می‌کنند و تحت‌تأثیر تناسبات فضا قرار می‌گیرند. میزان و قابلیت کنترل گنبدخانه از سایر فضاها بیشتر و پس از آن حیاط در رتبه‌های بعدی قرار



نمودار ۲۳: معانی موجود در فضای گنبدخانه مسجد امام



روش دلفی فازی جهت بررسی مؤلفه‌های مؤثر در تعریف محدوده بینابین و مراتب آنها در مسجد امام

برای بررسی تعاریف مفاهیم وجودی فضای بینابینی باید مؤلفه‌هایی که در تعریف محدوده بینابین و مراتب آن در معماری مؤثرند را مورد بررسی قرار داد تا بتوان به یک مدل نظری جامع برای تحلیل ویژگی‌ها و مراتب فضایی فضاهای بینابین فراهم آورد؛ بدین منظور برای تبیین ویژگی‌های فضای

بینابینی از پرسشنامه، تحلیل‌های عددی نرم‌افزار SPSS و روش دلفی فازی استفاده شده است. در مرحله نخست پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط خبرگان، نتایج آن مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب که مقادیر کیفی متغیرها به مقادیر کمی فازی تبدیل شده و میانگین فازی مربوط به هر معیار به‌طور جداگانه تعیین شد. جهت فازی کردن متغیرهای کلامی از مقادیر جدول ۵ استفاده شد:

جدول ۵: تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی
کاملاً موافقم	(۰/۹، ۱، ۱)
موافقم	(۰/۷، ۰/۹، ۱)
بدون نظر	(۰/۳، ۰/۵، ۰/۷)
مخالفم	(۰، ۰/۱، ۰/۳)
کاملاً مخالفم	(۰، ۰، ۰/۱)

جدول ۶: نتایج شمارش پاسخ‌های مرحله اول نظرسنجی پرسشنامه مقایسات زوجی

ردیف	شاخص	کاملاً موافقم	موافقم	بدون نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم	ردیف	شاخص	کاملاً موافقم	موافقم	بدون نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	انفصال و جدایی	۱۰	۵	۰	۱	۰	۱۱	هم‌جواری	۱۳	۲	۰	۰	۰
۲	تعادل و توازن	۸	۶	۱	۱	۰	۱۲	حریم	۱۲	۳	۰	۱	۰
۳	تضاد	۱۲	۳	۰	۰	۱	۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۹	۶	۱	۰	۰
۴	سازگاری	۱۰	۵	۰	۱	۰	۱۴	تأثر	۱۱	۲	۱	۰	۱
۵	مرز درون و بیرون	۹	۴	۱	۰	۱	۱۵	سردرگمی - آرامش	۱۰	۳	۲	۱	۰
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۹	۶	۱	۰	۰	۱۶	تعلق	۱۰	۳	۱	۰	۱
۷	انعطاف‌پذیری	۱۰	۲	۲	۱	۱	۱۷	تفاهم	۱۱	۴	۲	۰	۰
۸	تداوم و پویایی	۹	۴	۱	۱	۱	۱۸	وحدت و یکی شدن	۹	۶	۰	۱	۰
۹	سلسله مراتب	۸	۷	۱	۰	۰	۱۹	تکریم و احترام	۹	۵	۱	۱	۰
۱۰	خلوت	۱۱	۳	۰	۱	۱	۲۰	تجربید	۱۱	۳	۲	۰	۰

سپس میانگین فازی نظرات کلیه خبرگان در مورد هر معیار به دست آمده و مقادیر آن فازی زدایی شده‌اند. میانگین قطعی به دست آمده در جدول ۷ نشان‌دهنده شدت موافقت خبرگان با هر کدام از مؤلفه‌های الگوی پژوهش می‌باشد.

جدول ۷: میانگین فازی نظرات خبرگان در مرحله نخست نظرسنجی و مقدار فازی زدایی شده پرسشنامه مقایسات زوجی

ردیف	شاخص	میانگین فازی			ردیف	شاخص	میانگین فازی زدایی شده		
		۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۷۸			۰/۸۹۱	۰/۸۵۵	۰/۷۳
۱	انفصال و جدایی	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۹۶	۱۱	هم‌جواری	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۹۶
۲	تعادل و توازن	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۹۴	۱۲	حریم	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۹۴
۳	تضاد	۰/۷۸	۰/۹۲	۰/۹۴	۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۰/۷۸	۰/۹۲	۰/۹۴
۴	سازگاری	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۹۶	۱۴	تاثیر	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۹۶
۵	مرز درون و بیرون	۰/۷۰	۰/۷۲	۰/۸۶	۱۵	سردرگمی - آرامش	۰/۷۰	۰/۷۲	۰/۸۶
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۰/۷۹	۰/۹۳	۰/۹۶	۱۶	تعلق	۰/۷۹	۰/۹۳	۰/۹۶
۷	انعطاف‌پذیری	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۶	۱۷	تفاهم	۰/۶۹	۰/۷۱	۰/۷۶
۸	تداوم و پویایی	۰/۷۰	۰/۷۴	۰/۷۷	۱۸	وحدت و یکی شدن	۰/۷۰	۰/۷۴	۰/۷۷
۹	سلسله مراتب	۰/۷۸	۰/۹۳	۰/۹۶	۱۹	تکریم و احترام	۰/۷۸	۰/۹۳	۰/۹۶
۱۰	خلوت	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۹۰	۲۰	تجربید	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۹۰

مقصد، حُب و هم‌دلی و حرکت درونی که مؤثر بر محدوده بینابینی می‌باشند، نیز به نظر خبرگان اضافه شده است. سپس پرسشنامه مقایسات زوجی در دو مرحله دیگر فازی زدایی شد. با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله دوم و مقایسه آن با نتایج مرحله سوم، در صورتی که اختلاف بین دو مرحله کمتر از آستانه کم (۰/۱) باشد در این صورت فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. میزان اختلاف بین مراحل دوم و سوم نظرسنجی در جدول ۸ قابل مشاهده است:

با بررسی نتایج مرحله نخست نظرسنجی، میانگین‌های فازی زدایی شده مؤلفه‌ها در پرسشنامه‌ای به خبرگان اعلام شد. با توجه به اینکه اعضای گروه خبره با شاخص‌ها موافق بوده‌اند و میانگین قطعی معیارها همگی بالای ۰/۴ می‌باشد؛ در مرحله دوم نظرسنجی از خبرگان علاوه بر اطلاعات مربوط به میانگین نظرات کلیه خبرگان، نظر قبلی هر خبره نیز ثبت شد تا پس از مقایسه آنها، نظر جدید خود را در مورد مؤلفه‌های مؤثر بر محدوده بینابین ثبت کنند. همچنین در پرسشنامه دوم ۳ مؤلفه آگاهی از مبدا و

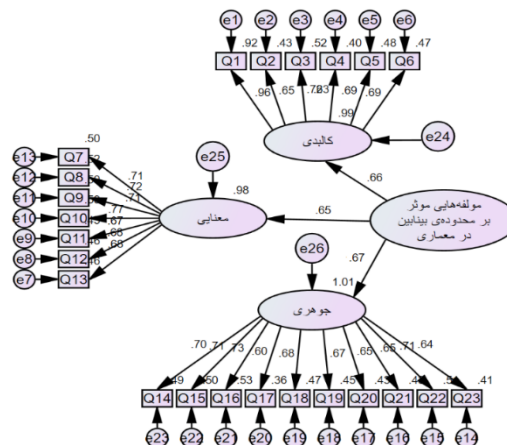
جدول ۸: اختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله دوم و سوم پرسشنامه مقایسات زوجی

ردیف	شاخص	میانگین فازی زدایی شده مرحله ۲	میانگین فازی زدایی شده مرحله ۳	اختلاف	ردیف	شاخص	میانگین فازی زدایی شده مرحله ۲	میانگین فازی زدایی شده مرحله ۳	اختلاف
۱	انفصال و جدایی	۰/۸۳۱	۰/۹۰۸	۰/۰۷۷	۱۳	حرکت ظاهر به باطن	۰/۸۹۱	۰/۹۲۰	۰/۰۳۰
۲	تعادل و توازن	۰/۸۶۷	۰/۹۲۷	۰/۰۵۹	۱۴	تاثر	۰/۹۰۲	۰/۹۰۸	۰/۰۰۶
۳	تضاد	۰/۸۶۱	۰/۹۰۸	۰/۰۳۰	۱۵	سردرگمی - آرامش	۰/۹۰۸	۰/۹۱۴	۰/۰۰۶
۴	سازگاری	۰/۸۵۵	۰/۸۹۵	۰/۰۴۱	۱۶	تعلق	۰/۹۲۰	۰/۹۰۸	۰/۰۱۳
۵	مرز درون و بیرون	۰/۸۶۱	۰/۹۰۲	۰/۰۴۱	۱۷	تفاهم	۰/۸۷۸	۰/۸۷۳	۰/۰۰۵
۶	حرکت ظاهر به ظاهر	۰/۸۹۱	۰/۹۲۷	۰/۰۳۶	۱۸	وحدت و یکی شدن	۰/۸۹۱	۰/۹۰۸	۰/۰۱۷
۷	تعطیلتپندیری	۰/۸۴۸	۰/۹۰۲	۰/۰۵۳	۱۹	تکریم و احترام	۰/۸۵۵	۰/۸۶۱	۰/۰۰۶
۸	تداوم و پویایی	۰/۸۰۸	۰/۸۶۷	۰/۰۵۹	۲۰	تجربید	۰/۸۹۷	۰/۸۷۳	۰/۰۲۳
۹	سلسله مراتب	۰/۸۳۸	۰/۸۹۱	۰/۰۵۳	۲۱	آگاهی از مبدا و مقصد	۰/۸۹۱	۰/۸۹۷	۰/۰۰۶
۱۰	خلوت	۰/۸۱۹	۰/۸۷۲	۰/۰۵۳	۲۲	حُب و هم‌دلی	۰/۸۰۸	۰/۸۳۸	۰/۰۳۰
۱۱	هم‌جواری	۰/۸۶۷	۰/۹۱۴	۰/۰۴۷	۲۳	حرکت درونی	۰/۹۰۸	۰/۹۱۴	۰/۰۰۶
۱۲	حریم	۰/۸۵۵	۰/۹۰۸	۰/۰۵۳					

بنابراین فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود و اعضای گروه خبره با تمامی مؤلفه‌ها موافق بوده‌اند و این مؤلفه‌ها براساس تکنیک دلفی فازی مورد قبول واقع شده‌اند.

با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله سوم و مقایسه آن با نتایج مرحله دوم، اختلاف میانگین قطعی مؤلفه‌ها بین دو مرحله کمتر از آستانه کم (۰/۱) می‌باشد،

مدل ساختاری تحقیق



نمودار شماره ۲۴: ضریب رگرسیونی مؤلفه‌هایی مؤثر بر محدوددهی بینابین در میانگی

منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های مربوطه سازگاری و توافق دارد. لذا در این قسمت به ارزیابی برازش مدل مفروض پژوهش پرداخته می‌شود تا از سازگاری آن با داده‌های پژوهش اطمینان حاصل گردد. بررسی

برازش مدل مفهومی مدل در دو مرحله صورت پذیرفته است. نخست ارزیابی برازش بخش اندازه‌گیری مدل و دوم ارزیابی برازش بخش ساختاری مدل با استفاده از نرم افزار AMOS، که در ادامه در مورد آنها بحث شده است.

جدول ۹: شاخص‌های برازش مدل فرضیات فرعی پژوهش

شاخص	مجدور کای	CMIN/DF	CFI	NFI	RMSRA	GFI
مدل مفهومی	۵۲,۶۰۶	۱,۰۳۱	۰,۹۸۲	۰,۹۹۰	۰,۰۱۰	۰,۹۷۴

CFI و NFI، شاخص‌هایی هستند که برازش مدل پیشنهاد شده به مدل مستقل (که فرض می‌کند بین داده‌ها رابطه‌ای وجود ندارد) را می‌سنجد و به ترتیب در مدل برابر ۰/۹۸۲ و ۰/۹۹۰ هستند. با توجه به این که مقادیر ۰/۹ و بالاتر قابل قبول میباشند، این اندازه‌ها نیز نمایانگر برازش قابل قبول مدل هستند. RMSEA، متوسط باقیمانده‌های بین همبستگی/کواریانس مشاهده شده نمونه و مدل مورد انتظار برآورد شده از جامعه است که بنابر توصیه لوهلین مقدار کمتر از ۰/۰۸ به معنای برازش خوب می‌باشد (Loehlin, 2004). GFI نیز مقدار نسبی واریانس‌ها و کواریانس‌ها را به گونه مشترک از طریق مدل ارزیابی می‌کند. ویژگی خاص شاخص GFI این است که به حجم نمونه بستگی ندارند. دامنه تغییرات این دو شاخص بین صفر و یک می‌باشد و مقدار برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹۰ نمایانگر برازش مطلوب است. همانطور که در جدول شماره ۹ آمده است مقدار GFI برابر ۰/۹۷۴ می‌باشد که نشانگر برازش مطلوب است.

می‌یابد که به‌عنوان یک حوزه انتقالی و اتصالی که در این پژوهش با عنوان فضای بینابین شناخته می‌شود، به تداومی کمک می‌کند که بیانگر نحوه پیوستگی شکل محدود با زمینه گسترده بدون مرز است. این فضا دلالت بر امکان برهم‌کنش و کنش مستمر آنها دارد. بنابراین فضای بینابینی، از تفکیک و یا تلفیق و یا ارتباط میان دو فضا به وجود می‌آید. جهت تشخیص و تعریف این فضا ابتدا باید ماهیت (مفهوم و کارکرد) دو فضای دیگر، یعنی داخل و خارج یا درون و بیرون و یا به شکلی کلی تر فصل و وصل شناسایی شود، سپس اقدام به تبیین ویژگی‌های این فضا می‌شود. این امر با شناسایی سایر ابعاد و مفاهیم فضای بینابین و نیز رابطه آن با فضاهای اطراف از طریق نظم حاکم بر مجموعه معماری امکان‌پذیر خواهد بود که در بخش تطبیق یافته‌ها به آن پرداخته شده است.

در قسمت تحلیلی و پرسشنامه‌ای، مؤلفه‌هایی در تعریف محدوده بینابین و مراتب آن در معماری مشخص شده‌اند تا بتوان به یک مدل نظری جامع برای تحلیل حدود مکان‌ها در برهم‌کنش درون و بیرون معماری دست یافت که مبنایی برای جایگاه به‌جا و به‌هنگام فضاهای بینابین فراهم آورده

نتیجه‌گیری

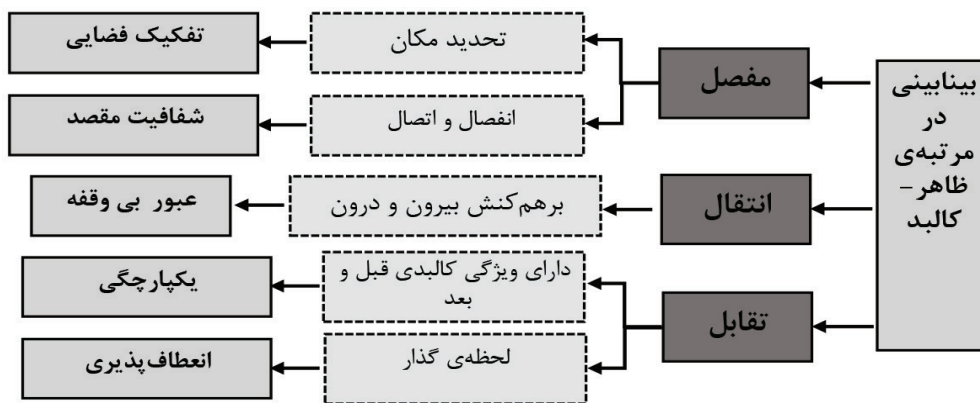
با توجه به تعاریف کلی و یافته‌های تحقیق، فضای بینابینی از آن جهت اهمیت

شود. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های بررسی شده به‌عنوان مؤلفه‌هایی در تعریف محدوده بینابین و مراتب آن در معماری مؤثرند. همچنین مدل ساختاری نیز نشان داد که شاخصهای برآزش مطلوب هستند. بر اساس تحلیل انجام شده نتایج زیر قابل تعمق است.

بر اساس تحلیل مؤلفه‌ها، به سه ویژگی مهم در مرتبه ظاهری فضای بینابین می‌توان اشاره کرد: «مفصل، انتقال، تقابل»

فضای جلوخان مسجد امام که در مرتبه ظاهر و کالبد واقع شده دارای ویژگی مفصلی است. این ویژگی در معماری این مسجد وضعیت قبل را از بعد جدا کرده و بلافاصله به آن وصل می‌کند و باعث درک و شفافیت مقصد شود. مفصلی بودن این فضا باعث تفکیک فضاها شده و حدود مکان را تعیین و معماری را به بخش‌های مشخص تقسیم

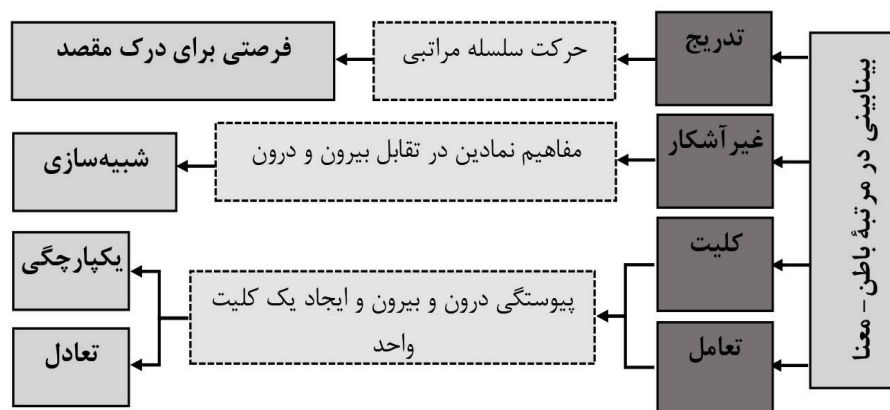
می‌کند. فضای هشتی مسجد امام در مرتبه ظاهر به عنوان ناحیه‌ای انتقالی عمل می‌کند که ارتباط میان درون و بیرون معماری را تسهیل می‌کند. این ویژگی در مرتبه ظاهر به توسط در معماری تعبیر می‌شود، لذا دارای جهت‌گیری دو سویه است. این فضا امکان ورود و خروج را فراهم می‌کند و این ویژگی در بخش هشتی، به‌عنوان یک مسیر عبوری واضح تعریف می‌شود. دالان‌های مسجد امام در مرتبه ظاهر نقطه تقابل درون و بیرون است که در مرتبه ظاهر با جهت‌گیری دو سویه عمل می‌کند. این فضا به‌عنوان یک مرز مشترک، ویژگی‌های کالبدی هشتی و ایوان را دربر می‌گیرد، به یکپارچگی معماری کمک می‌کند و مانند نقطه عطفی در گذر فرد از یک وضعیت به وضعیت دیگر، انعطاف‌پذیری معماری را تقویت می‌کند. (نمودار شماره ۲۵)



نمودار ۲۵: بینابینی در مرتبه ظاهر - کالبد

حرکت تدریجی و مرتبه‌مند به سمت فضای میانسرای مسجد امام، به فرد این امکان را می‌دهد که از درک ظاهری به حضور واقعی برسد و مقصد را درک کند. مخاطب با گذر از مرتبه ظاهر در میانسرا، قبل از رسیدن به حضور واقعی در گنبدخانه، وضعیتی مبهم را تجربه می‌کند. این ابهام فضایی فرصت تأمل و کشف مفهوم نمادین فضا را فراهم می‌کند و به آن معنا می‌بخشد. در فضای میانسرا در مرتبه باطن، حدود

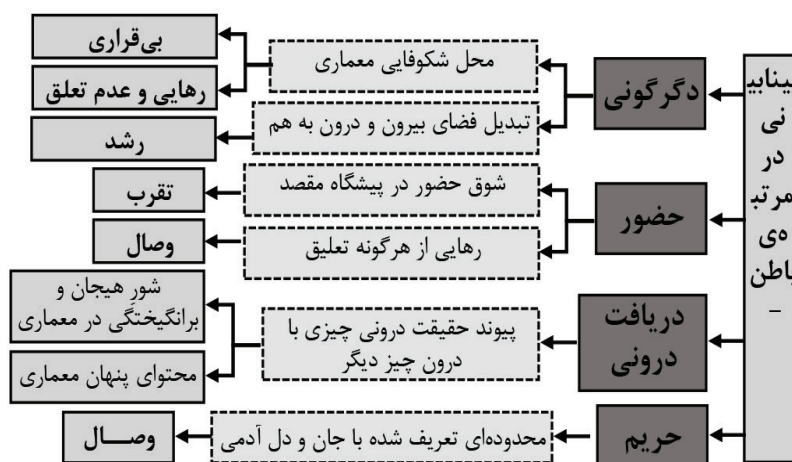
فضا به مرزهایی غیرآشکار و خیالی تبدیل می‌شوند. فرد تحت تأثیر این فضای خیالی قرار می‌گیرد و حرکت به سوی گنبدخانه برای او به هدفی بزرگ تبدیل می‌شود. مؤلفه‌های عینی و ذهنی فضای میانسرا فرد را برای رسیدن به مقصد آماده می‌کنند و اصل تدریج در این فضا به وضوح نمایان می‌شود. این ویژگی‌ها به پیوستگی میان اجزا و شکل‌گیری کلیت معماری کمک می‌کند. (نمودار شماره ۲۶)



نمودار ۲۶: بینابینی در مرتبه باطن - معنا

و شکوفایی معماری است و آگاهی از محتوای پنهان آن برای درک کیفیت وصال، همراه با معنا هیجان و برانگیختگی، برای لذت از آن است. در این مرتبه از حضور می توان ادعا کرد این بینابینی های مکرر مسیری برای وصال حقیقی است. (نمودار شماره ۲۷)

حضور در فضای گنبدخانه مسجد امام در پیشگاه مقصد همراه با دریافتی درونی مخاطب را دگرگون ساخته، از هرگونه تعلیق رها شده و به سوی هدفی متعالی و مقصدی مشخص در قالب تقرب، به حرکتی دارای جهتی عمودی، تک سویه و هدف مند وامی دارد. گنبدخانه محل حیات، رشد



نمودار ۲۷: بینابینی در مرتبه باطن - معنا

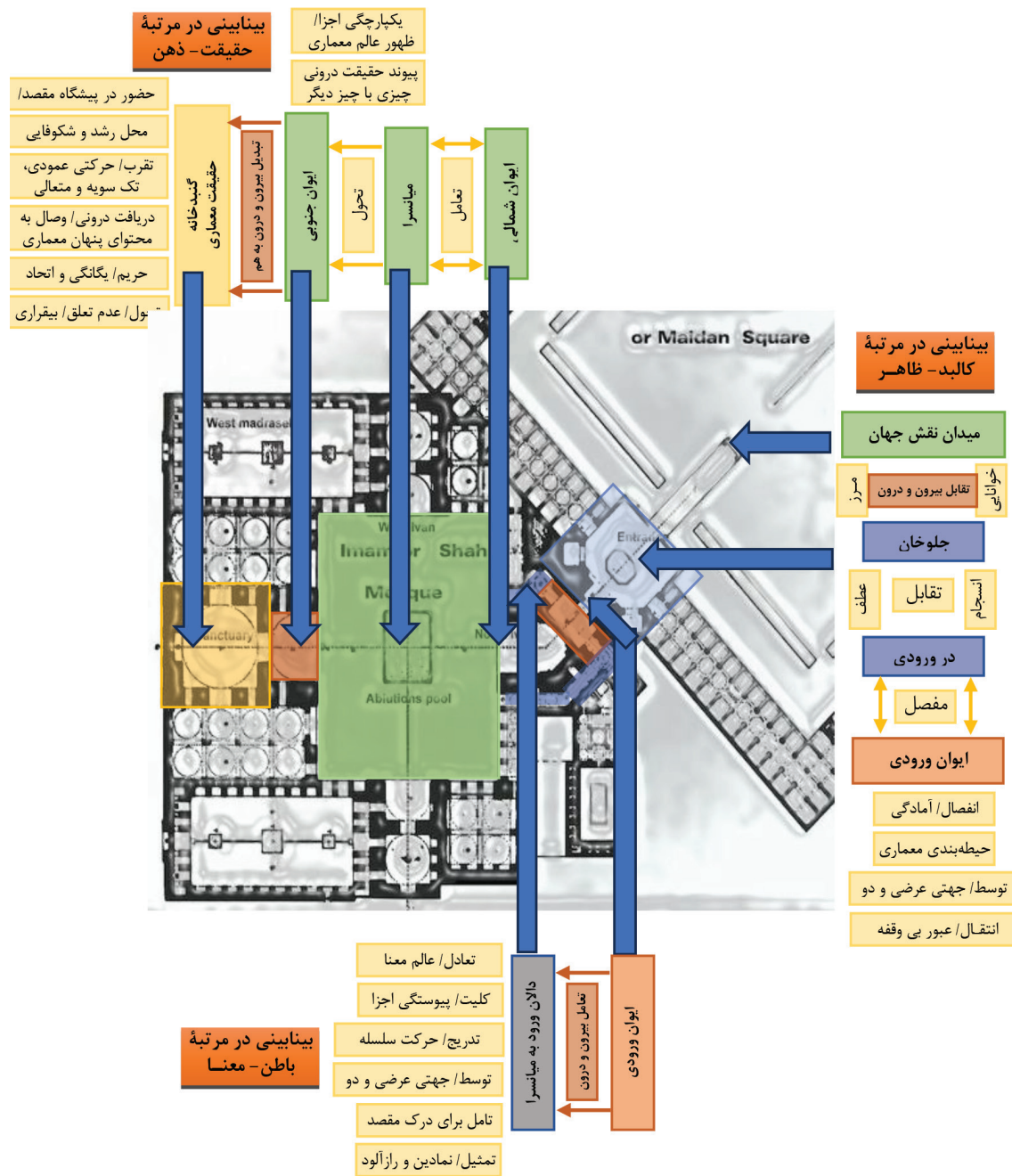
باعث تعامل و کنش درون و بیرون شده و امکان برداشت و تفسیر را فراهم می سازد؛ در مکان حق و حقیقت باعث توافق و واکنش بین درون و بیرون شده و یگانگی و وصال می سازد. (نمودار شماره ۲۸) وصال به مقصد، همواره در سه مرتبه انفعال، گذار و اتصال صورت می گیرد و در طی طریق معماری نیز این کمال و معرفت در این سه گانه به منصفه ظهور می رسد. توجه به

با این وصف تطبیق نتایج حاصل از خروجی نرم افزار در تبیین فضاهای بینابینی نشان از وجود یک تطابق در فضای بینابین با هدف انفعال و اتصال دارد.

بینابینی در معماری مسجد امام به حوزه های گذار و انتقالی اشاره دارد لذا در مکان ظاهر و جسمانی باعث تقابل و برهم کنش درون و بیرون شده و امکان انتقال را میسر می سازد؛ در مکان باطن و روحانی

توسط، تقرب و موضع گذر، کیفیت فصل و وصل در معماری را تعالی می‌بخشد و به معماری اصالت می‌بخشد و معماری را از حد یک ساختمان به معماری از دل برآمده و ماندگار ارتقاء خواهد داد. از نگاه این پژوهش راز جاودانگی و ماندگاری مسجد امام در اعصار مختلف، اهمیت و ارجحیت مفهوم فضا و کیفیت آن بالاخص

در بررسی و شناسایی سیر ظاهر به باطن و حقیقت در گذار از فضای بینابینی و رسیدن به وصال غایی حاصل می‌شود. فرآورده، حاصل فرآیندی از دل برآمده، ماندگار و فارغ از محدودیت مکان و زمان است که برای مخاطب دیروز، امروز و فردا ماندگار و ارزشمند است.



نمودار ۲۸: مدل مفهومی بینابینی در سه مرتبه کالبد - ظاهر، باطن - معنا و حقیقت - ذهن در دستیابی به وصال

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری «پگاه شیرازپور» با عنوان «بازخوانی مفهوم وصال در معماری فضاهای بینابینی مساجد (شیعی) ساخته شده در دوره صفوی شهر اصفهان»، به راهنمایی دکتر «فرح حبیب» و مشاوره‌ی دکتر «نسیم اشرافی» است.
۲. علی‌نیای مطلق سه مرتبه حاصل از مراتب جسم، روح و حقیقت در معماری را به ترتیب متناظر با سرپناه، بنا و بنای درون نام نهاد. (علی‌نیای مطلق، (۱۳۹۸) رساله دکتری تخصصی معماری دانشگاه یزد)

منابع

- آرنهایم، رودولف (۱۳۹۲) پویه‌شناسی صور معماری، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- احمدی، فرهاد (۱۳۹۱) فصل و وصل در معماری سنتی ایران، مجله‌ی کیمیای هنر، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۳۵.
- اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۷۹) حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، خاک.

- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰) سرشت نظم: ساختارهای زنده در معماری، ترجمه رضا سیروس صبری و علی‌اکبری، تهران، پرهام‌نقش.
- بادآهنگ، ابوالفضل و حسین کلانتری خلیل‌آباد و کرامت‌اله زیاری (۱۴۰۱) شناسایی و تبیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر کیفیت منظر در بافت‌های تاریخی شهرها (مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شهر شیراز)، مجله علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵۰، صص ۳۷-۵۰.

- بلیلان اصل، لیدا و ایرج اعتصام و سیدغلامرضا اسلامی (۱۳۹۰) نقش فضای بینابین در

هویت‌بخشی به گستره فضایی بافت‌های تاریخی ایران، مجله علمی پژوهشی هویت شهر، دوره ۵، شماره ۸، صص ۵۹-۷۱.

بلیلان اصل، لیدا و ایرج اعتصام و سیدغلامرضا اسلامی (۱۳۸۷) تأثیر فضای بینابین در پیوستگی فضای عناصر معماری و شهری در ایران با مطالعه موردی شهر تبریز، رساله دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.

پرتو، شیده و ویدا نوروز برازجانی و شروین میرشاهزاده (۱۴۰۱) بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حس معنویت در فضای مساجد (مطالعه موردی: شش مسجد معاصر تهران)، مجله علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴۸، صص ۲۹-۴۰.

حجت، مهدی (۱۳۹۴) حضور و ظهور، شرحی بر سکوت و نور لویی کان، تهران، علمی.

حمصیان اتفاق، سمیه و حسین کلانتری خلیل‌آباد و محمد میره‌ای (۱۴۰۰) ارائه الگوی مدیریت اکوتوریسم با تأکید بر بافت‌های اکولوژیک شهری (مطالعه موردی منطقه ۹ شهرداری اصفهان)، مجله علمی پژوهشی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۳۳۵-۳۵۹.

دانشمند، سارا و کاوه فتاحی (۱۴۰۱) چارچوب فرآیند ادراکی متعالیه به منظور ادراک کیفیت زیبایی‌شناسی فضا (برهم‌گذاری دیدگاه علوم جدید و حکمت متعالیه) مجله علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵۰، صص ۱۹-۳۶.

دل‌زننده، علی و حیدر جهان‌بخش و حسین مرادی‌نسب و محمدرضا بمانیان و حسن ذوالفقارزاده (۱۴۰۲) مرتبه‌بندی تعاریف و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی بر پایه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی، مجله علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵۴، صص ۸۳-۱۰۰.

کارکردهای فرهنگی - اجتماعی، دو فصلنامه علمی- پژوهشی معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۵، تهران، صص ۶۵-۷۸.

میرسلامی، مهسا و علی عمرانی‌پور (۱۴۰۱) واکاوی نقش فضاهای میانی در نظام توده - فضا و چگونگی آن بر نحوه رفتار جمعی (مطالعه موردی در عرصه‌های میانی مساجد قزوین)، فصلنامه علم و محیط‌زیست، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۴۷-۶۰.

نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۲) درآمدی به فلسفه. تهران، طهوری.

نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۶) معنا در معماری معاصر غرب، ترجمه مهرداد قیومی، تهران، فرهنگستان هنر.

نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۹۳) گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، پرهام نقش.

نیلفروشان، محمدرضا (۱۳۹۱) معماری ایرانی از آغاز تا دوره قاجاریه، تهران، هم‌اندیشان.

هدایتی، فاطمه و جمال‌الدین سهیلی و کمال رهبری‌منش (۱۴۰۲) تبیین رابطه پیکره‌بندی فضاهای بینابین و کیفیت انعطاف‌پذیری با تأکید بر تطبیق‌پذیری در مساجد جامع سلجوقی، نشریه علمی باغ نظر، دوره ۲۰، شماره ۱۲۶، صص ۱۷-۳۴.

de Botton, A. (2006) The architecture of happiness. Pantheon Books

Abdel, H., & Pintos, P. (2022, July 8). Interstitial spaces and public life: The overlooked interventions that weave our built environment. ArchDaily. Retrieved from.

Alexander, C. (2002) The nature of order (Vols. 1-4). Oxford: Oxford University Press.

طبسی، محسن و فهیمه فاضل‌نسب (۱۳۹۱) بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان، تهران، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۸۱-۹۰.

علینیای مطلق، ایوب و رضا شکوری و رضا عینی‌فر (۱۳۹۸) چپستی مقام آستانگی در معماری و تأملی در برهم‌کنش درون و بیرون معماری، رساله دکتری تخصصی معماری دانشگاه یزد.

علینیای مطلق، ایوب و رضا شکوری و رضا عینی‌فر (۱۳۹۸) تبیین مفهوم آستانگی در برهم‌کنش درون و بیرون محدوده‌ها در معماری، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۳۱-۴۲.

قوچانی، محیا و سیدمحسن موسوی (۱۴۰۰) تأثیر جهت قبله بر سلسله‌مراتب حرکتی در مساجد با واکاوی سبک‌های معماری ایرانی- اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۴۵-۵۷.

گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۶) زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

محمدیان منصور، صاحب (۱۳۸۶) سلسله‌مراتب حریمیت در مساجد ایرانی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۵۹-۶۸.

مرتضوی، حسن و محمدرضا بمانیان و مجتبی انصاری (۱۳۹۷) ارزش‌های معنایی در معماری آستانگی (نمونه موردی: مسکن سنتی شهر یزد) رساله دکتری تخصصی معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

مشایخی، محمد و محمدجواد مهدوی‌نژاد (۱۳۹۳) الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر، فصلنامه پژوهش‌های معماری، سال دوم، شماره ۴، صص ۱-۱۵.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد و محمد مشایخی (۱۳۸۹) بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای

- Forums on Éducation (CAFÉ). University of Calgary.
- Norberg-Schulz, C. (1980) *Genius loci: Towards a new phenomenology of architecture*. London: Academy Editions.
- Loehlin, J. C. (2004) *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis*. Lawrence Erlbaum Associates.
- Nooraddin, H. (1966) *Al Fina: A study of "in-between" spaces along streets as an urban concept in Islamic cities of the Middle East with a case study in Cairo*. Department of Town and Regional Planning, Faculty of Architecture, Trondheim, Norway.
- Shamai, S. (1991) Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22, 347-358.
- The Metapolis dictionary of advanced architecture (city, technology, and society in the information age). (2003). Barcelona: European Union.
- Arnheim, R., & Zucker, W. M., & Watterson, J. (1966). Inside and outside in architecture: A symposium. *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, 25(1), 3-15.
- Arnheim, R. (1982). *The power of the center: A study of composition in the visual arts*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Boettger, T. (2014) *Threshold spaces: Transitions in architecture. Analysis and design tools*. Birkhäuser.
- Canter, D. (1997) The facets of place. In G. T. Moore & R. W. Marans (Eds.), *Advances in environment, behavior, and design (Vol. 4): Towards the integration of theory, methods, research, and utilization* (pp. 109-147) New York: Plenum Press.
- Iranmanesh, A., & Denerel, S. B. (2023) Well-being as an effective aspect in the perception of vital in-between spaces within art and architecture faculties. *Buildings*, 13(6), 1467.
- Mayhew, A. (2019) *Architecture and the spaces in-between. Manifesto for the Canadian Architecture*